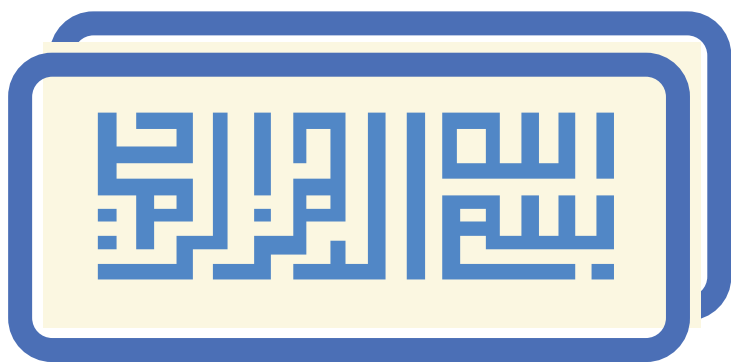






تنظیم و تهیه
بنیادین المسئلة دعا



«۱»

از امام صادق علیه السلام نقل است که فرمود: گروهی نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمدند و گفتند: ای رسول خدا، سرزمین‌های ما دچار خشکسالی شده، باران از ما بازایستاده و سال‌های سخت پیایی بر ما گذشته است. پس از خداوند عزوجل بخواه که آسمان را بر ما بگشاید. پیامبر صلی الله علیه و آله دستور داد منبر را بیرون آوردند و مردم جمع شدند. آن حضرت بر منبر بالا رفت و دعا کرد و به مردم فرمان داد آمین بگویند. چیزی نگذشت که جبرئیل فرود آمد و گفت: ای محمد، به مردم خبر بده که پروردگارت به آنان وعده داده است که در فلان روز و فلان ساعت باران خواهد بارید. مردم آن روز و آن ساعت را انتظار کشیدند تا آنکه هنگام موعود فرا رسید. خداوند بادی را برانگیخت، باد ابرها را فراهم آورد، آسمان را پوشاند و باران شدید فرو ریخت. همان گروه به نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمدند و گفتند: ای رسول خدا، دعا کن



باران از ما بازایستد که نزدیک است غرق شویم. مردم جمع شدند و پیامبر ﷺ دعا کرد و به آنان فرمان داد آمین بگویند. مردی به او گفت: ای رسول خدا، سخت را برای ما بلندتر بگو، زیرا آنچه می‌گویی به خوبی نمی‌شنویم. پیامبر فرمود بگویند:

اللَّهُمَّ حَوَالَيْنَا وَلَا عَلَيْنَا. اللَّهُمَّ صُبَّهَا

خدایا باران را پیرامون ما فرو فرست و نه بر خود ما. خدایا

فِي بُطُونِ الْأَوْدِيَةِ وَمَنَابِتِ الشَّيْحِ وَ

آن را در دره‌ها و رویشگاه‌های گیاه «شیخ» و جاهایی که

حَيْثُ يَرْعَى أَهْلُ الْوَبَرِ. اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ

عرب‌های بادیه‌نشین دام می‌چرانند فرو فرست. خدایا آن را

رَحْمَةً وَلَا تَجْعَلْهُ عَذَابًا.

رحمت قرار ده و نه عذاب.^۱

۱. أمالی شیخ طوسی: ۶۹۷.



«۲»

به ما خبر داد عبدالله بن محمد، گفت: به ما خبر داد محمد بن محمد، گفت: برایم روایت کرد موسی بن اسماعیل، گفت: برایمان روایت کرد پدرم از پدرش از جدّش جعفر بن محمد از پدرش از جدّش علی بن الحسین از پدرش از علی بن ابی طالب علیه السلام که فرمود: هرگاه رسول خدا صلی الله علیه و آله به باران می‌نگریست، می‌گفت:

اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ صَبِيحاً نَافِعاً.

خدایا آن را ریزش‌کننده و سودمند قرار ده.^۱



۱. الجعفریات: ۲۱۷.



«۳»

مسلم غلابی روایت کرده است: اعرابی ای نزد پیامبر ﷺ آمد و گفت: به خدا ای رسول خدا، نزد تو آمده‌ایم در حالی که نه شتری برایمان مانده که ناله کند و نه گوسفندی که آواز دهد. سپس چنین سرود: به نزد تو آمدیم، ای بهترین آفریدگان، تا بر ما رحم کنی از آنچه از آغاز دهر به آن گرفتار شده‌ایم. نزد تو آمدیم در حالی که دختر باکره از شدت سختی خون از پستانش روان است و مادر فرزندان از رسیدگی به کودک بازمانده است. و جوان از شدت گرسنگی و ناتوانی، دستانش را به حالت فروتنی فرو افکنده، نه چیزی شورش می‌بخشد و نه چیزی شیرینش می‌کند. و هیچ‌یک از خوراکی‌های مردم نزد ما یافت نمی‌شود جز حنظل تلخ بیابانی و «عله‌ز» پست. و گریزی برای ما نیست جز به سوی تو، و مردم جز به سوی



پیامبران به کجا پناه می‌برند؟ پیامبر ﷺ به اصحابش فرمود:
این اعرابی از کمی باران و خشکسالی سخت شکایت دارد.
سپس برخاست در حالی که ردا را می‌کشید تا بر منبر بالا رفت
و خدا را حمد و ثنا گفت و از جمله در حمد خود گفت:

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي عَلَا فِي السَّمَاءِ فَكَانَ
سپاس از آن خدایی است که در آسمان برتر است
عَالِيًا وَفِي الْأَرْضِ قَرِيبًا دَانِيًا أَقْرَبَ إِلَيْنَا
و علو دارد و در زمین نزدیک و دانا است؛ به ما از رگ
مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ.
گردن نزدیک‌تر.

سپس دستانش را به سوی آسمان بلند کرد و فرمود:

اللَّهُمَّ اسْقِنَا غِيثًا مُغِيثًا مَرِيئًا مَرِيئًا
خدایا بر ما بارانی فرو فرست رساننده، یاری بخش، گوارا،



غَدَقًا طَبَقًا عَاجِلًا غَيْرَ رَائٍثٍ نَافِعًا غَيْرَ

رویاننده، فراوان، همه گیر، فوری و نه دیررس، سودمند و

ضَارٌّ تَمَلُّاً بِهِ الضَّرْعُ وَتُنْبِتُ بِهِ الزَّرْعَ وَ

نه زیان آور؛ که با آن پستان چارپایان پر شود و زراعت

تُحْيِي بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا.

بروید و زمین را پس از مرگش زنده گردانی.

و هنوز دستانش را به سوی سینه اش بازنگردانده بود که ابر

همچون حلقه ای شهر مدینه را فراگرفت و آسمان باران های

پیایی فرو ریخت و مردم نواحی اطراف فریادکنان آمدند: ای

رسول خدا، غرق شدیم، غرق شدیم! پیامبر فرمود:

اللَّهُمَّ حَوَالَيْنَا وَلَا عَلَيْنَا.

خدایا اطراف ما ببار و نه بر خود ما.



ناگاه ابر از فراز آسمان کنار رفت. پیامبر ﷺ خندید و فرمود: آفرین بر ابوطالب؛ اگر امروز زنده بود، چشمانش روشن می‌شد. چه کسی شعر او را برای ما می‌خواند؟ عمر بن خطاب برخاست و گفت: شاید مقصودت این باشد ای رسول خدا: هیچ شتری بر پشتش کسی را حمل نکرده که نیکوکارتر و باوفا تر از محمد باشد. پیامبر ﷺ فرمود: این از شعر ابوطالب نیست، بلکه از حسان بن ثابت است. آنگاه علی علیه السلام برخاست و گفت: گویی مقصودت این است ای رسول خدا: و آن سپیدرویی که به آبروی او از ابر باران خواسته می‌شود؛ پناهگاه یتیمان و نگاهبان بیوه‌زنان. نابودی یافتگان از خاندان هاشم به او پناه می‌برند؛ و آنان نزد او در نعمت و بخشش‌اند. به خدا سوگند دروغ گفتید که محمد رها شود، حال آنکه هنوز جان‌هایمان در کارزار گرد او نریخته و هنوز در دفاع از او نجنگیده‌ایم. او را واگذاریم؟ هرگز، تا در اطراف او کشته شویم و از فرزندان و زنانمان غافل گردیم. پیامبر ﷺ فرمود: آری. مردی از بنی‌کنانه برخاست و گفت: تو را سپاس، و سپاس از هر که شکر گزارد؛ به آبروی پیامبر بر ما باران فرستاده



شد. او پروردگارش را خواند و دیده‌ها به او دوخته شد. و چیزی نگذشت جز به اندازه افکندن ردا که باران دانه‌درشت و قطرات پی‌درپی فرود آمد و خداوند به وسیله آن، قبیله بزرگ مُضَرَ را سیراب کرد. و چنین بود که عمویش ابوطالب، آن صاحب هیبت و روشنی‌چهره، گفته بود: خداوند به وسیله او باران ابرها را فرو می‌فرستد؛ این است مشاهده، و آن بود خبر. پیامبر ﷺ فرمود: ای کِنانی، خداوند به هر بیتی که سرودی خانه‌ای در بهشت به تو بدهد.^۱



۱. أمالی شیخ طوسی رحمه الله: ۷۵.

«۴»

مرحوم کفعمی رحمۃ اللہ علیہ صاحب کتاب مصباح گوید: بهترین قنوت برای نماز استسقاء روایتی است که از پیامبر اکرم صلی اللہ علیہ وسلم نقل شده است:

أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ

در خواست بخشش خدا را دارم خدایی که معبودی جز

الْقَيُّومُ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ ذُو الْجَلَالِ وَ

او نیست، زنده و پاینده است، مهربان و بخشنده است،

الْأَكْرَامِ وَأَسْأَلُهُ أَنْ يَتُوبَ عَلَيَّ تَوْبَةً

صاحب جلالت و بزرگواری است، و از او می‌خواهم

عَبْدٌ ذَلِيلٌ خَاضِعٌ فَقِيرٌ بِائِسٌ مِسْكِينٌ

که بازگشت ام را بپذیرد، بازگشتی که بنده خوار، فروتن



مُسْتَكِينٍ لَا يَمْلِكُ لِنَفْسِهِ نَفْعًا وَلَا

، نیازمند، درمانده، تنگدست و محتاج که برای خود

ضَرًّا وَلَا مَوْتًا وَلَا حَيَاةً وَلَا نُشُورًا. **اللَّهُمَّ**

صاحب سود و زیان و مرگ و زندگی و برانگیختن نیست.

مُعْتَقَ الرِّقَابِ وَرَبِّ الْأَرْبَابِ وَمُنْشِئِ

خدایا! ای آزاد کننده بردگان! و پروردگار پرورندگان! و

السَّحَابِ وَمُنْزِلِ الْقَطْرِ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى

خالق ابر! و نازل کننده قطره‌ها از آسمان به زمین بعد از

الْأَرْضِ بَعْدَ مَوْتِهَا فَالِقَ الْحَبِّ وَالنَّوَى

مردن زمین! ای شکافنده دانه و هسته! و خارج کننده

وَمُخْرِجَ النَّبَاتِ وَجَامِعَ الشَّتَاتِ صَلِّ

گیاه! و جمع کننده امور پراکنده! بر محمد و خاندانش



عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاسْقِنَا غِيثًا

درود فرست، و بر ما بباران باران فراگیر، گسترده و فراوان،

مُغِيثًا غَدَقًا مُغْدِقًا هَنِيئًا مَرِيئًا تُنْبِتُ

گوارای مطلوب، که گیاهان را رویانده، و شیر را در پستانها

بِهِ الزَّرْعَ وَتُدْرِ بِهِ الصَّرْعَ وَتُحْيِي بِهِ مِمَّا

پر کرده، و آنچه از حیوانات و انسان ها که خلق کرده ای را

خَلَقْتَ أَنْعَامًا وَأَنْأَسِيَّ كَثِيرًا. **اللَّهُمَّ**

زنده گردانی. خدایا! بندگان و چهارپایان را سیراب کن،

اسْقِ عِبَادَكَ وَبَهَائِمَكَ وَأَنْشُرْ رَحْمَتَكَ

و رحمت را پراکنده ساز، و شهرهای مردهات را زنده نما.^۱

وَأُحْيِ بِلَادَكَ الْمَيِّتَةَ.

۱. جنة الأمان: ۴۱۶.



«۵»

موسی بن اسماعیل بن موسی برایم روایت کرد از پدرش
اسماعیل از پدرش از جدش جعفر صادق از پدرش از علی بن
ابی طالب علیه السلام که فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله در نماز استسقاء
این دعا را خواند:

اللَّهُمَّ اَنْشُرْ عَلَيْنَا رَحْمَتَكَ بِالْغَيْثِ

خدایا رحمتت را با بارانِ ژرف و ابرِ گشوده بر ما

الْعَمِيقِ وَالسَّحَابِ الْفَتِيقِ وَمَنْ عَلَى

بگستر، و بر بندگانت به انواع میوه‌ها منت گذار،

عِبَادِكَ بِيُنُوعِ الثَّمَرَةِ وَ أَحْيِ بِلَادَكَ

و سرزمینت را با رسیدن گل و شکوفه زنده ساز،



بِبُلُوغِ الزَّهْرَةِ وَأَشْهَدُ مَلَائِكَتَكَ الْكَرَامَ

و فرشتگان بزرگوار و نویسندگان را بر بارانی از

السَّفَرَةِ بِسَقْيِ مِنْكَ نَافِعَةٍ دَائِمَةٍ غَزِرَةٍ

جانب خود گواه گیر؛ بارانی سودمند، پایدار، فراوان،

وَاسِعَةٍ دِرْرُهُ وَابِلًا سَرِيعًا وَحَيًّا مَرِيحًا

گسترده، بسیارریز، پربارش، سریع، زنده کننده، که

تُحْيِي بِهِ مَا قَدْ مَاتَ وَتَرُدُّ بِهِ مَا قَدْ

بدان آنچه مرده است زنده شود، آنچه از دست رفته

فَاتَ وَتُخْرِجُ بِهِ مَا هُوَ آتٍ وَتُوسِّعُ لَنَا

بازگردد، آنچه در راه است بیرون آید، و روزی ها بر ما

فِي الْأَقْوَاتِ سَحَابًا مُتَرَاكِمًا هَنِيئًا

فراخ گردد؛ ابری انباشته، خوش گوار و گوارا، فراگیر



مَرِيئاً طَبَقاً دَفْقاً غَيْرَ مُضِرٍّ وَدَقُّهُ وَلَا

و ریزان، که ریزشش زیان بار نباشد و برقش فریبنده

خُلِبَ بَرَقُهُ. **اللَّهُمَّ** اسْقِنَا غَيْثاً مُغِيثاً

نباشد. خدایا بر ما بارانی فرو فرست رساننده،

مَرِيئاً مُمَرَّعاً عَرِيضاً وَاسِعاً غَزِيْرًا تَرْدُ

رویاننده، بارورکننده، پهناور، گسترده، فراوان؛ که

بِهِ النَّهِيْضُ وَتَجْبَرُ بِهِ الْمَهِيْضُ. **اللَّهُمَّ**

به وسیله آن نیرومند را بازنشانی و ناتوان را بهبود

اسْقِنَا سَقِيًّا تُسِيْلُ مِنْهُ الرِّحَابَ وَتَمْلَأُ

بخشی. خدایا بارانی بر ما فرود آور که با آن پهنه ها

بِهِ الْجِبَابَ وَتُفَجِّرُ بِهِ الْأَنْهَارَ وَتُنْبِتُ

روان گردد و گودال ها پر شود و رودها شکافته شود و



بِهِ الْأَشْجَارَ وَتُرْخِصُ بِهِ الْأَسْعَارَ فِي

درختان بروید و قیمت‌ها در همه شهرها ارزان گردد

جَمِيعِ الْأَمْصَارِ وَتَنْعَشُ بِهِ الْبَهَائِمَ وَ

و چهارپایان و همه آفریدگان شاداب شوند و زراعت

الْخَلْقَ وَتُنْبِتُ بِهِ الزَّرْعَ وَتُدْرِبُ بِهِ الصَّرْعَ

بروید و پستان‌ها شیرریز شود و بر نیروی ما نیروی

و تَزِيدُنَا قُوَّةً إِلَى قُوَّتِنَا. **اللَّهُمَّ** لَا تَجْعَلْ

افزوده گردد. خدایا سایه‌اش را بر ما باد سوزان قرار

ظِلَّهُ عَلَيْنَا سَمُومًا وَلَا تَجْعَلْ بَرْدَهُ عَلَيْنَا

مده، و سرمای‌ش را بر ما بَرِجا و نابودکننده مکن،

حَسُومًا وَلَا تَجْعَلْ صَعْقَهُ عَلَيْنَا رُجُومًا

و صاعقه‌اش را بر ما سنگباران قرار مده، و آبش را



وَلَا تَجْعَلْ مَاءَهُ بَيْنَنَا أَجَاثًا. **اللَّهُمَّ**

میان ما تلخ و شور مگردان. خدایا ما را از برکت های

ارْزُقْنَا مِنْ بَرَكَاتِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ.

آسمان ها و زمین روزی ده.^۱



۱. النوادر: ۲۹.



«۶»

پیامبر خدا ﷺ هنگام باران خواهی می فرمود:

اللَّهُمَّ اسْقِ عِبَادَكَ وَبَهَائِمَكَ وَانْشُرْ

خداوندا بندگان و چهارپایان را سیراب کن و مهرورزی

رَحْمَتِكَ وَأُحْيِ بِلَادَكَ الْمَيِّتَةَ.

ات را بگستران و زمین های مرده ات را زنده کن.

سه بار تکرار می شود.^۱



۱. من لا يحضره الفقيه: ۵۲۷/۱.



«۷»

ابو کربب برای ما حدیث نقل کرد و گفت: ابو معاویه برای ما روایت کرد از اعمش از عمرو بن مُرّة از سالم بن ابی الجعد از شُرَحِبیل بن السّمط که به کعب گفت: ای کعب بن مُرّة، ما را حدیثی از رسول خدا ﷺ بازگو. او گفت: مردی نزد پیامبر ﷺ آمد و گفت: ای رسول خدا، از خدا بخواه بر ما باران فرو فرستد. پس پیامبر ﷺ دست به دعا برداشت و گفت:

اللَّهُمَّ اسْقِنَا غَيْثًا مَرِيئًا مَرِيئًا طَبَقًا

خدایا بر ما بارانی فرو فرست گوارا، رویاننده، فراگیر، فوری و

عَاجِلًا غَيْرَ رَائِيٍّ نَافِعًا غَيْرَ ضَارٍّ.

نه دیررس، سودمند و نه زیان آور.



او گفت: مردم هنوز کامل پراکنده نشده بودند که دعا مستجاب شد. سپس نزد پیامبر ﷺ آمدند و از باران شکایت کردند و گفتند: ای رسول خدا، خانه‌ها ویران شد. پیامبر فرمود:

اللَّهُمَّ حَوَالَيْنَا وَلَا عَلَيْنَا.

خدایا اطراف ما بیار و نه بر خود ما.

پس ابر شروع کرد به کنار رفتن، به سوی راست و چپ.^۱



۱. سنن ابن ماجه: شماره ۱۲۵۹.



«۸»

علی بن حُجر برای ما خبر داد و گفت: اسماعیل بن جعفر برای ما حدیث نقل کرد و گفت: شریک بن عبدالله از انس بن مالک روایت کرد که مردی وارد مسجد شد در حالی که رسول خدا ﷺ ایستاده خطبه می خواند. پس رو به رسول خدا ﷺ کرد و گفت: ای رسول خدا، اموال نابود شد و راه‌ها بریده شد؛ از خدا بخواه که ما را سیراب کند. پس رسول خدا ﷺ دست برداشت و گفت:

اللَّهُمَّ اغْنِنَا. اللَّهُمَّ اغْنِنَا.

خدایا ما را سیراب کن، خدایا ما را سیراب کن.

انس گفت: به خدا سوگند در آسمان نه ابری می دیدیم و نه پاره‌بری، و میان ما و کوه سَلْع هیچ خانه و داری نبود. پس ابری مانند سپر پدیدار شد؛ وقتی به میانه آسمان رسید،



گسترده شد و بارید. انس گفت: به خدا سوگند تا یک شنبه،
خورشید را ندیدیم.

سپس مردی از همان در، در جمعه آینده وارد شد در حالی
که رسول خدا ﷺ خطبه می خواند. پس ایستاده رو به ایشان
کرد و گفت: ای رسول خدا، اموال نابود شد و راه‌ها بریده شد؛ از
خدا بخواه آن را از ما باز دارد. پس رسول خدا ﷺ دست‌هایش
را بلند کرد و گفت:

اللَّهُمَّ حَوَالَيْنَا وَلَا عَلَيْنَا. اللَّهُمَّ عَلَى

خدایا پیرامون ما بیار، نه بر خود ما؛

الْأَكَامِ وَالْظِّرَابِ وَبُطُونِ الْأَوْدِيَةِ

خدایا بر بلندی‌ها و دامنه‌ها و دره‌ها

وَمَنَابِتِ الشَّجَرِ.

و رویشگاه‌های درختان.



راوی گفت: پس باران قطع شد و بیرون آمدیم و در آفتاب
راه رفتیم. شریک گفت: از انس پرسیدم: آیا او همان مرد
نخست بود؟ گفت: نه.^۱



۱. السنن الکبری: شماره ۱۵۰۱.



«۹»

پیامبر اکرم ﷺ برای نماز استسقاء بیرون آمد و پیش ایستاد و دو رکعت با مردم نماز گزارد و در هر دو، قرائت را بلند می خواند. و در عیدین و استسقاء در رکعت اول «فاتحة الكتاب» و «سَبِّحْ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى» و در رکعت دوم «فاتحة الكتاب» و «هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ الْغَاشِيَةِ» می خواند. پس چون نماز خود را به پایان برد، روبه مردم کرد و ردای خود را برگرداند، سپس بر دو زانو نشست و دست هایش را بلند کرد و پیش از آنکه دعا برای باران کند، یک تکبیر گفت. سپس فرمود:

اللَّهُمَّ اسْقِنَا وَ اغْنِنَا. اللَّهُمَّ اسْقِنَا

خدایا بر ما باران فرو فرست و ما را سیراب کن. خدایا



غَيْثًا مُغِيثًا وَحَيًّا وَحَيًّا رَبِّيعاً وَجَدًّا

بر ما بارانی فرو فرست رساننده، یاری بخش، زنده ساز،

طَبَقاً غَدَقاً مُغْدِقاً مُونِقاً عَامّاً هَنِئِئاً

زندگی بخش، بهاری، پرفزونی، فراگیر، بسیار، فراوان، نیکو

مَرِيئاً مَرِيئاً وَابِلًا سَابِلًا مُسْبِلًا مُجَلَّلًا

و چشم نواز، همگانی، گوارا، خوش خور، رویاننده، ریزان،

دَيِّمًا دِرَرًا نَافِعًا غَيْرَ ضَارٍّ عَاجِلًا غَيْرَ

پیوسته ریز، فروریز، فراپوش، دائمی، پربار، سودمند و نه

رَائِثٍ غَيْثًا تُحِّي بِهِ الْبِلَادَ وَتُغِيثُ

زیان آور، فوری و نه دیررس؛ بارانی که با آن شهرها را زنده

بِهِ الْعِبَادَ وَتَجْعَلُهُ بَلَاغًا لِلْحَاضِرِ مِنَّا وَ

گردانی و بندگان را یاری دهی و آن را برای ما، چه شهرنشین



الْبَادِ. **اللَّهُمَّ** أَنْزِلْ عَلَيْنَا بِأَرْضِنَا زِينَتَهَا

و چه بادیه‌نشین، مایه کفایت قرار دهی. خدایا بر سرزمین

و أَنْزِلْ عَلَيْنَا فِي أَرْضِنَا سَكْنَهَا. **اللَّهُمَّ**

ما زیورش را فرو فرست و آرامش آن را بر ما نازل کن. خدایا

أَنْزِلْ عَلَيْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً طَهُورًا فَأُحْيِ

بر ما از آسمان آب پاک فرو فرست؛ و بدان سرزمینی مرده

بِهِ بَلَدَةٌ مَيِّتًا وَاسْقِهِ مِمَّا خَلَقْتَ لَنَا

را زنده گردان، و از آن به چهارپایان و مردمان بسیار، آنچه

أَنْعَامًا وَأَنْاسِيَّ كَثِيرًا.

برای ما آفریده‌ای، بنوشان.^۱

۱. بحار الأنوار: ۳۲۶/۸۸.



«۱۰»

محمد بن صالح بن هانی برایم حدیث نقل کرد و گفت:
محمد بن اسماعیل بن مهران برای ما روایت کرد. گفت:
هارون بن سعید ایلی برایم حدیث گفت. گفت: خالد بن نزار
برای ما روایت کرد. گفت: قاسم بن مبرور از یونس بن یزید از
هشام بن عروہ از پدرش از عایشہ نقل کرد کہ گفت: مردم نزد
رسول خدا ﷺ از خشکی باران شکایت کردند. پس دستور
داد منبری در مُصلی برای او بگذارند و برای مردم روزی را
وعده کرد کہ در آن بیرون روند. عایشہ گفت: چون لبہ آفتاب
پیدا شد، رسول خدا ﷺ بیرون آمد و بر منبر نشست و تکبیر
گفت و خدا را ستود، سپس فرمود: شما از خشکی سرزمین
خود و دیر رسیدن باران در زمانِ موعِدش شکایت کردید، و



خدا به شما فرمان داده او را بخوانید و به شما وعده داده که
دعایتان را اجابت کند. سپس فرمود:

اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَنْتَ الْغَنِيُّ وَنَحْنُ الْفُقَرَاءُ

خدایا همانا تو بی نیاز هستی و ما نیازمندیم، پس باران

فَأَنْزِلْ عَلَيْنَا الْغِيثَ وَلَا تَجْعَلْنَا مِنْ

را بر ما فرو فرست و ما را از نومیدان قرار مده. خدایا

الْقَانِطِينَ. اللَّهُمَّ اجْعَلْ مَا تُنْزِلُهُ عَلَيْنَا

آنچه بر ما نازل می کنی نیرویی برای ما و تا زمانی معین

قُوَّةً لَنَا وَبَلَاغاً إِلَى حِينٍ بِرَحْمَتِكَ يَا

مایه کفایت ما قرار ده، به رحمتت ای مهربان ترین

أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

مهربانان.



سپس دست‌هایش را بلند کرد و همچنان در بلندکردن بود تا سفیدی زیر بغل‌هایش نمایان شد. سپس پشت خود را به مردم کرد و ردای خویش را برگرداند یا گردانید، در حالی که دست‌هایش بالا بود. سپس رو به مردم کرد و از منبر فرود آمد و دو رکعت نماز گزارد. پس خدا ابری پدید آورد، و رعد و برق زد، سپس به اذن خدا بارید. و پیش از آنکه به مسجد خود برسد، سیلاب‌ها جاری شد. مردم را که دید شتابان به پناهگاه می‌روند، خندید تا دندان‌های نیشش آشکار شد و فرمود: گواهی می‌دهم که خدا بر هر چیز تواناست و من بنده خدا و فرستاده اویم.^۱



۱. المستدرک علی الصحیحین: شماره ۱۲۲۵.



«۱۱»

روایت شده که امیرالمؤمنین علیه السلام این خطبه را در نماز استسقاء (نماز طلب باران) ایراد فرمود و گفت:

الْحَمْدُ لِلَّهِ سَابِغِ النِّعَمِ وَ مُفَرِّجِ الْهَمِّ وَ

ستایش مخصوص خدایی است که نعمت هایش را

بَارِئِ النَّسَمِ الَّذِي جَعَلَ السَّمَاوَاتِ

به کمال رسانید، اندوه را برطرف ساخت، و جانها

الْمُرْسَاةَ عِمَاداً وَ الْجِبَالَ أُوتَاداً وَ الْأَرْضَ

را آفرید؛ همان خدایی که آسمانهای استوار را چون



لِلْعِبَادِ مِهَاداً وَمَلَائِكَتَهُ عَلَى أَرْجَائِهَا وَ

ستون‌هایی برپا کرد و کوه‌ها را چون میخ‌هایی استوار

حَمَلَةً عَرْشِهِ عَلَى أَمْطَائِهَا وَأَقَامَ بِعِزَّتِهِ

قرار داد و زمین را برای بندگان گهواره و بستر ساخت؛

أَرْكَانَ الْعَرْشِ وَأَشْرَقَ بِضَوْوِهِ شُعَاعَ

فرشتگان خود را بر کناره‌های آن گمارد و حاملان

الشَّمْسِ وَأَطْفَاءَ بِشُعَاعِهِ ظُلُمَةَ الْغَطَشِ

عرش را بر پایه‌هایش مستقر نمود؛ به عزّت خویش

وَفَجَّرَ الْأَرْضَ عُيُوناً وَالْقَمَرَ نُوراً وَالنُّجُومَ

ارکان عرش را استوار کرد، با نور خود پرتو خورشید را

بُهُورَاتِهِمْ عَلَا فَتَمَكَّنَ وَخَلَقَ فَاتَّقَنَ وَأَقَامَ

افروخت، و با تابش آن تاریکی‌های ژرف را زدود؛ زمین



فَتَهَيَّمَنَ فَخَضَعَتْ لَهُ نَخْوَةً الْمُسْتَكْبِرِ

را به چشمه‌ها روان ساخت، ماه را نور و ستارگان را

وَطَلَبَتْ إِلَيْهِ خَلَّةُ الْمُتَمَسِّكِ. اللَّهُمَّ

چراغ‌های درخشان آفرید. سپس بالاتر رفته و بر

فَبَدَرَجَتِكَ الرَّفِيعَةِ وَمَحَلَّتِكَ الْمَنِيعَةِ

جای خویش استوار گردید؛ آفرید و نیکو ساخت؛ برپا

وَفَضْلِكَ الْبَالِغِ وَسَبِيلِكَ الْوَاسِعِ أَسْأَلُكَ

داشت و چیرگی یافت؛ پس سرکشی گردن‌کشان در

أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَمَا

برابرش فروتنی کرد و نیاز نیازمندان تنها به او معطوف

دَانَ لَكَ وَدَعَا إِلَى عِبَادَتِكَ وَوَفَى بِعُهُودِكَ

گشت. خدایا، به حق مرتبه بلند و جایگاه استوار



وَأَنْفِذْ أَحْكَامَكَ وَاتَّبِعْ أَعْلَامَكَ عَبْدُكَ

و نعمت کامل و راه گشاده‌ات، از تو می‌خواهم که

وَنَبِيِّكَ وَأَمِينِكَ عَلَى عَهْدِكَ إِلَى عِبَادِكَ

بر محمد و آل محمد درود فرستی، همان‌گونه که

الْقَائِمِ بِأَحْكَامِكَ وَ مُوَيِّدِ مَنْ أَطَاعَكَ

تنها در برابر تو فروتنی کرد، به عبادتت فراخواند،

وَقَاطِعِ عُذْرٍ مَنْ عَصَاكَ. اللَّهُمَّ فَاجْعَلْ

به پیمان‌ت وفا کرد، احکامات را به انجام رساند،

مُحَمَّدًا أَجْزَلَ مَنْ جَعَلْتَ لَهُ نَصِيبًا

نشانه‌هایت را پی گرفت؛ او بنده و پیامبر و امین

مِنْ رَحْمَتِكَ وَ أَنْضَرَ مَنْ أَشْرَقَ وَجْهُهُ

تو در عهد با بندگان است؛ برپا دارنده احکامات،

لِسَجَالِ عَطِيَّتِكَ وَأَقْرَبِ الْأَنْبِيَاءِ زُلْفَةً

یار و پشتیبان فرمانبردارانت، و باطل کننده عذر

يَوْمَ الْقِيَامَةِ عِنْدَكَ وَأَوْفَرَهُمْ حَظًّا مِنْ

گناهکارانت. خدایا، محمد را بهره مندترین کسانی

رِضْوَانِكَ وَأَكْثَرَهُمْ صُفُوفَ أُمَّةٍ فِي

قرار ده که از رحمت نصیبی یافتند، شاداب ترین

جَنَانِكَ كَمَا لَمْ يَسْجُدْ لِلْأَحْجَارِ وَلَمْ

کسانی که چهره شان به بارش عطای تو روشن گردید،

يَعْتَكِفُ لِلْأَشْجَارِ وَلَمْ يَسْتَحِلِّ السِّبَا وَ

نزدیک ترین پیامبران در روز قیامت به تو، برخوردارترین

لَمْ يَشْرَبِ الدِّمَاءَ. اللَّهُمَّ خَرَجْنَا إِلَيْكَ

ایشان از خشنودی ات، و دارای بیشترین پیروان



حِينَ فَاجَأْتَنَا الْمَضَائِقُ الْوَعْرَةُ وَالْجَائِنَا

در بهشت؛ چرا که او هرگز برای سنگ‌ها سجده

الْمَحَابِسُ الْعَسِيرَةُ وَعَصَّيْنَا عَلَائِقُ الشَّيْنِ

نکرد، در برابر درختان خلوت نشست، اسیر گرفتن

فَتَأَثَّلْتُ عَلَيْنَا لَوَاحِقُ الْمَيْنِ وَاعْتَكَرْتُ

را حلال نشمرد، و خون ننوشید. خدایا، ما به سوی

عَلَيْنَا حَدَابِيرُ السِّنِينَ وَأَخْلَفْتَنَا مَخَائِلُ

تو بیرون آمدیم، هنگامی که تنگنای سخت ما را

الْجُودِ وَاسْتَظْمَأْنَا لِصَوَارِخِ الْقَوْدِ فَكُنْتُ

ناگهان فراگرفت، و حبس‌های دشوار ما را به تنگ

رَجَاءِ الْمُبْتَلِئِ وَالثِّقَةِ لِلْمُلْتَمِسِ نَدْعُوكَ

آورد، و گرفتاری‌ها ما را فشرد، و بدحالی‌ها بر ما



حِينَ قَنَظَ الْأَنْثَامُ وَمُنِعَ الْغَمَامُ وَهَلَكَ

انباشته شد، و سال‌های سخت بر ما چیره گردید، و

السَّوَامُ، يَا حَيُّ يَا قَيُّومُ عَدَدَ الشَّجَرِ وَ

نشانه‌های بخشش تو از ما روی گرداند، و از باران‌های

النُّجُومِ وَالْمَلَائِكَةِ الصُّفُوفِ وَالْعَنَانِ

سودمندت بی بهره ماندیم؛ پس تنها تو امید ناامیدان

الْمَعْكُوفِ وَأَنْ لَا تَرُدَّنَا خَائِبِينَ وَلَا

و تکیه‌گاه جویندگان هستی. تو را می‌خوانیم آنگاه

تَوَاخِذُنَا بِأَعْمَالِنَا وَلَا تُحَاصِّنَا بِذُنُوبِنَا وَ

که مردم نومید شدند، ابرها بازایستادند، و چهارپایان

انْشُرْ عَلَيْنَا رَحْمَتَكَ بِالسَّحَابِ الْمُتَّقِ وَ

هلاک گردیدند. ای زنده، ای برپا دارنده! به شماره



النَّبَاتِ الْمُؤْنِقِ وَآمَنْ عَلَى عِبَادِكَ بِتَنْوِيعِ

درختان و ستارگان و فرشتگان صف بسته، و ابرهای

الثَّمَرَةِ وَأَحْيِ بِلَادَكَ بِبُلُوغِ الزَّهْرَةِ وَأَشْهَدْ

آویخته، از تو می‌خواهیم که ما را ناامید برنگردانی،

مَلَائِكَتَكَ الْكَرَامَ السَّفَرَةَ سُقِيَا مِنْكَ

ما را به اعمالمان مؤاخذه نکنی، و به گناهانمان

نَافِعَةً دَائِمَةً غُزْرُهَا وَاسِعاً دُرُّهَا سَحَاباً

محاسبه‌نفرمایی؛ و رحمت را به ابرهای پرآب و

وَابِلًا سَرِيعاً عَاجِلًا تُحْيِي بِهِ مَا قَدْ مَاتَ وَ

گیاهان دل‌انگیز بر ما بگستری، و بر بندگان انواع

تَرُدُّ بِهِ مَا قَدْ فَاتَ وَتُخْرِجُ بِهِ مَا هُوَ آتٍ.

میوه‌ها را ببخشی، و سرزمینت را با رویش گل و گیاه



اَللّٰهُمَّ اسْقِنَا غِيثًا مُّغِيثًا مُّمرِعًا طَبَقًا

زنده گردانی. فرشتگان گرامیت را بر این باران گواه

مُجَدِّجَلًا مُّتَتَابِعًا خُفُوهُ مُنْبَجِسَةً

گیر؛ بارانی سودمند، همیشگی، و فراوان، با قطرات

بُرُوْقُهُ مُرْتَجِسَةً هُمُوْعُهُ وَ سَيِّبُهُ مُسْتَدِرٌّ

گسترده، ابرهای پُرآب و بارانی پی‌درپی و شتابان، که

وَ صَوْبُهُ مُسْبِطٌ لَا تَجْعَلْ ظِلَّهُ عَلَيْنَا

با آن آنچه مرده باز زنده گردد، و آنچه از دست رفته

سَمُومًا وَبَرْدَهُ عَلَيْنَا حُسُومًا وَضَوْأَهُ عَلَيْنَا

بازگردد، و آنچه در راه آمدن است، برون آید. خدایا،

رُجُومًا وَمَاءَهُ أَجَا جَاءَ وَنَبَاتُهُ رَمَادًا رَمِدًا.

به ما بارانی حیات بخش و پُرگیاه و پی‌درپی و کوبنده



اَللّٰهُمَّ اِنَّا نَعُوْذُ بِكَ مِنَ الشِّرْكِ وَهَوَادِيهِ

عطا کن، برقش درخشان، رعدش غرنده، قطره هایش

وَ الظُّلْمِ وَ دَوَاهِيهِ وَ الْفَقْرِ وَ دَوَاعِيهِ يَا

انبوه و بارشش گسترده باشد؛ سایه اش بر ما داغی

مُعْطِي الْخَيْرَاتِ مِنْ اَمَّاكِنِهَا وَ مُرْسِلَ

مرگبار نباشد، سرمایش نابودکننده نباشد، نورش

الْبَرَكَاتِ مِنْ مَعَادِنِهَا مِنْكَ الْغَيْثُ

آفت نباشد، آبش شور نباشد، و گیاهش بی ثمر و

الْمُغِيْثُ وَ اَنْتَ الْغِيَاثُ الْمُسْتَعَاثُ وَ

خشکیده نگردد. خدایا، از تو پناه می جوئیم از شرک

نَحْنُ الْخَاطِئُوْنَ مِنْ اَهْلِ الذُّنُوْبِ وَ اَنْتَ

و وادی هایش، و از ستم و پیامدهایش، و از فقر و



الْمُسْتَغْفِرُ الْغَفَّارُ نَسْتَغْفِرُكَ لِلْجَهَالَاتِ

انگیزه هایش؛ ای بخشنده خیرات از جایگاه هایشان،

مِنْ ذُنُوبِنَا وَ نَثُوبُ إِلَيْكَ مِنْ عَوَامِرٍ

و فرستنده برکات از معدن هایشان! باران سودمند

خَطَايَانَا. اللَّهُمَّ فَأَرْسِلْ عَلَيْنَا دِيمَةً

از توست، و تویی فریادرس فریادخواهان؛ ما اهل

مِذْرَاراً وَ اسْقِنَا الْغَيْثَ وَ اكْفَا مِغْزَاراً

خطاییم، و تویی آمرزنده بسیار آمرزنده. از نادانی های

غَيْثاً وَاسِعاً وَ بَرَكَهً مِنَ الْوَابِلِ نَافِعَةً

گناهانمان آمرزش می طلبیم و از خطاهای

يُدَافِعُ الْوَدْقَ بِالْوَدْقِ دِفَاعاً وَ يَتَلَوُ الْقَطْرُ

همگانی مان به سوی تو بازمی گردیم. خدایا، بر ما



مِنْهُ الْقَطْرَ غَيْرَ خُلْبٍ بَرُّقُهُ وَلَا مُكَذَّبٍ

بارانی پیایی و فراوان بباران؛ بارانی گسترده و پر

رَعْدُهُ وَلَا عَاصِفَةٍ جَنَائِبُهُ بَلَّ رِيًّا يَغْصُ

برکت، که دانه دانه قطراتش پی در پی آیند، و برقش

بِالرِّيِّ رَبَابُهُ وَفَاضَ فَاَنْصَاعَ بِهِ سَحَابُهُ

دروغین نباشد، رعدش تکذیب نشود، و بادهایش

وَجَرَى آثَارُ هَيْدِهِ جَنَابَهُ سُقِيََا مِنْكَ

ویرانگر نباشد؛ بلکه آبی باشد که ابرش از آب سرریز

مُحْيِيَةً مُرْوِيَةً مُحَفَّلَةً مُتَّصِلَةً زَاكِيًا

گردد، و زمین از آن سیراب شود، و آثارش در زمین

نَبَتْهَا نَامِيًا زَرَعُهَا نَاضِرًا عُودُهَا مُمْرَعَةً

رانده شود؛ بارانی که رویاندن گیاه و درخت را شتاب

آثَارُهَا جَارِيَةٌ بِالْخُصْبِ وَالْخَيْرِ عَلَى أَهْلِهَا

بخشد، زراعت را برویاند، شاخه‌ها را سبز کند، و

تُنْعِشُ بِهَا الضَّعِيفَ مِنْ عِبَادِكَ وَ

نشانه‌هایش با سرسبزی و نعمت آشکار گردد. با آن،

تُحْيِي بِهَا الْمَيِّتَ مِنْ بِلَادِكَ وَتُنْعِمُ بِهَا

بندگان ناتوانت نیرو گیرند، سرزمین‌های مرده‌ات

الْمَبْسُوطَ مِنْ رِزْقِكَ وَتُخْرِجُ بِهَا الْمَخْزُونَ

زنده شود، روزی گسترانت حاصل گردد، ذخیره‌های

مِنْ رَحْمَتِكَ وَتَعْمُ بِهَا مَنْ نَاءَ مِنْ خَلْقِكَ

رحمتت بیرون آید، و همه آفریدگانت - هرچند دور -

حَتَّى يُخْصِبَ لِإِمْرَاعِهَا الْمُجْدِبُونَ وَيَحْيَا

از آن بهره‌مند شوند؛ تا بیابان‌نشینان به سبب رُستن



بِبَرَكَتِهَا الْمُسْنِتُونَ وَ تَتَرَعَّ بِالْقِيَعَانِ

گیاهان بهره‌مند گردند، و سال‌خوردگان به برکتش

غُذِرَانُهَا وَ تُورِقَ ذُرَى الْآكَامِ رَجَوَاتُهَا

زندگی تازه یابند، آبگیرها پر شود، قله‌های کوه سبز

وَ يَذْهَبُ بِذُرَى الْآكَامِ شَجَرُهَا وَ

گردد، درختانش برگ برآورند، و پس از نومیدی، شکر

تَسْتَحِقُّ عَلَيْنَا بَعْدَ الْيَأْسِ شُكْرًا مِنْهُ

فراوان کنیم، و این را عطای باشکوهی از بخشش‌های

مِنْ مِّنْكَ مُجَلَّلَةً وَ نِعْمَةً مِنْ نِّعَمِكَ

پوشیده و پیوسته‌ات بر بندگان نیازمندت، و

مُتَّصِلَةً عَلَى بَرِّيَّتِكَ الْمُرْمِلَةِ وَ بِلَادِكَ

سرزمین‌های خشکیده‌ات، و چهارپایان آسیب‌دیده



الْمُعْرَنَةِ وَبَهَائِمِكَ الْمُعْمَلَةِ وَوَحْشِكَ

و حیوانات وحشی رها شده‌ات بدانیم. خدایا، امید

الْمُهْمَلَةِ. اللَّهُمَّ مِنْكَ ارْتَجَاؤُنَا وَإِلَيْكَ

ما از توست و بازگشت ما به سوی تو؛ پس بارانت را از

مَا بَأْسًا فَلَا تَحْبِسْهُ عَنَّا لِتَبْطُنِكَ سَرَائِرُنَا وَ

ما به سبب آگاهی‌ات بر درونمان بازمدار، و ما را به

لَا تُؤَاخِذْنَا بِمَا فَعَلَ السُّفَهَاءُ مِنَّا فَإِنَّكَ

کار نادانان مان مؤاخذه مکن؛ که تو پس از نومیدی

تُنْزِلُ الْغَيْثَ مِنْ بَعْدِ مَا قَنَطُوا وَتَنْشُرُ

باران فرو می‌فرستی و رحمتت را می‌گسترانی، و تویی

رَحْمَتِكَ وَأَنْتَ الْوَلِيُّ الْحَمِيدُ.

سرپرست ستوده.



سپس امیرالمؤمنین علیه السلام گریست و فرمود:

سَيِّدِي صَاحَتْ جِبَالُنَا وَاغْبَرَّتْ

سرورم! کوه‌های ما بانگ برآورده و زمینمان غبارآلود شده،

أَرْضُنَا وَهَامَتْ دَوَابُّنَا وَقَنَطَ نَاسٌ

چارپایانمان (از بی چارگی) آواره گشته‌اند، برخی از مردم ما

مِنَّا وَتَاهَتْ الْبَهَائِمُ وَتَحَيَّرَتْ فِي

نومید شده‌اند، چهارپایان سرگردان شده‌اند و در چراگاه‌های

مَرَاتِعِهَا وَعَجَّتْ عَجِيجَ الثَّكْلَى عَلَى

خود حیران مانده‌اند، چون مادری داغ‌دیده بر فرزندانش

أَوْلَادِهَا وَمَلَّتِ الدَّوْرَانَ فِي مَرَاتِعِهَا

ناله می‌کنند، و از بس در چراگاه‌ها گردیده‌اند خسته

حِينَ حَبَسَتْ عَنْهَا قَطَرُ السَّمَاءِ

شده‌اند، آن‌گاه که باران آسمان را از آنان بازداشتی. در اثر



فَدَقَ لِدَٰلِكَ عَظْمُهَا وَذَهَبَ لَحْمُهَا وَ

این، استخوان‌هایشان نزار گشته، گوشتشان از میان رفته،

ذَابَ شَحْمُهَا وَانْقَطَعَ دَرُّهَا. اَللّٰهُمَّ

پیه‌شان آب شده و شیرشان قطع گردیده است. خدایا! بر ناله

اَرْحَمَ اُنَيْنِ الْاِنَّةِ وَ حَنِينِ الْحَاَنَةِ

آن‌که ناله می‌کند و بر بانگ آن‌که بانگ می‌زند رحم کن؛ بر

اَرْحَمَ تَحِيْرُهَا فِي مَرَاتِعِهَا وَاُنَيْنِهَا فِي

سرگردانی آنان در چراگاه‌هایشان و بر ناله‌شان در آغل‌هایشان

مَرَابِضِهَا يَا كَرِيْمُ.

رحمت فرست، ای کریم!



«۱۲»

امام رضا علیه السلام فرمودند: بدان - خدا تو را رحمت کند - که نماز باران (صلاة الاستسقاء) دو رکعت است، بدون اذان و بدون اقامه. امام جماعت به زیر آسمان بیرون می آید، منبر نیز بیرون آورده می شود، و مؤذنان پیشاپیش او می ایستند. او با مردم دو رکعت نماز می گزارد، سپس سلام می دهد و بر منبر بالا می رود. آنگاه ردایی را که بر دوش دارد - سمت راستش را به سمت چپ، و سمت چپش را به سمت راست - یک بار برمی گرداند، سپس به سوی قبله رو می کند و صد تکبیر بلند می گوید. پس روبه مردم، سمت راست و چپ، صد بار «تهلیل» بر زبان می آورد و صدایش را بلند می کند. سپس دستانش را به سوی آسمان بلند می کند و خدا را چنین می خواند:



اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ.

خدایا، بر محمد و آل محمد درود فرست. خدایا،

اَللّٰهُمَّ اسْقِنَا غَيْثًا مُّغِيثًا مُّجَلِّلاً طَبَقاً

ما را سیراب کن به بارانی یاریگر، فراگیر، پوشاننده،

مُطَبَّقاً جَلَّلاً مُّوْنِقاً رَاحِباً غَدَقاً مُّغْدِقاً

لبریزکننده، خوش منظر، گشاده، پُرآب، فزاینده،

طَيِّباً مُّبَارَكاً هَاطِلاً مُّهْطِلاً مُتَهَاطِلاً

پاک و مبارک، پیایی و ریزان، متوالی و انبوه، گوارا و

رَغْداً هَنِئِئاً مَرِيئاً دَائِماً رَوِيّاً سَرِيْعاً عَامّاً

خوشایند و بی‌آسیب، همیشگی و سیراب‌کننده،

مُسِيلاً نَافِعاً غَيْرَ ضَارٍّ تُحِيّ بِهِ الْعِبَادَ

سریع و عمومی، سیلاب‌آور و سودمند، نه زیان‌بار؛ که



وَالْبِلَادَ وَتُنْبِتُ بِهِ الزَّرْعَ وَالنَّبَاتَ وَ

با آن بندگان و سرزمین‌ها را زنده سازی، کشت و گیاه

تَجْعَلُ فِيهِ بَلَاغاً لِلْحَاضِرِ مِنَّا وَالْبَادِ.

را برویانی، و برای حاضران ما و بادیه‌نشینان، بسندگی

اللَّهُمَّ أَنْزِلْ عَلَيْنَا مِنْ بَرَكَاتِ سَمَائِكَ

و روزی قرار دهی. خدایا، از برکات آسمانت بر ما آب

مَاءَ طَهُوراً وَأَنْبِتْ لَنَا مِنْ بَرَكَاتِ أَرْضِكَ

پاکیزه فرو فرست، و از برکات زمینت برای ما گیاهی

نَبَاتاً مَسْقِياً وَتَسْقِِهِ مِمَّا خَلَقْتَ

سیراب برویان، گیاهی که چهارپایان و مردم بسیار از

أَنْعَاماً وَأَنْاسٍ كَثِيراً. اللَّهُمَّ ارْحَمْنَا

آن بخورند. خدایا، ما را به حق پیرمردان رکوع‌کننده،



بِالْمَشَايِخِ رُكَّعًا وَ الصَّبَّيَّانِ رُضْعًا وَ

کودکان شیرخوار، چارپایان چراکننده، و جوانان

الْبَهَائِمِ رُتَّعًا وَ الشُّبَّانِ خُضْعًا.

خاضع، مشمول رحمت فرما.

و فرمود: امیرالمؤمنین علیه السلام هنگام دعا برای باران، این دعا

را می خواند و می گفت:

يَا مُغِيثَا يَا مُعِينَا عَلَى دِينِنَا وَ دُنْيَانَا

ای فریادرس ما! ای کمک کننده ما در دین و دنیايمان!

بِالَّذِي تَنْشُرُ عَلَيْنَا مِنَ الرِّزْقِ نَزَلَ بِنَا

به سبب آن روزی که بر ما می گشایی، حادثه ای بزرگ

عَظِيمٌ لَا يَقْدِرُ عَلَى تَفْرِيجِهِ غَيْرُ مَنْزِلِهِ

بر ما فرود آمده که جز فرستنده اش کسی توان گشودنش



عَجَّلْ عَلَى الْعِبَادِ فَرَجَهُ فَقَدْ أَشْرَفَتْ

را ندارد؛ پس گشایش آن را بر بندگان شتاب بخش.

الْأَبْدَانُ عَلَى الْهَلَاكِ فَإِذَا هَلَكَتْ

بدن‌ها بر لبه هلاکت رسیده‌اند و چون بدن‌ها نابود

الْأَبْدَانُ هَلَكْتَ الدِّينُ يَا دَيَّانَ الْعِبَادِ وَ

شوند، دین نابود می‌شود. ای داور بندگان و مقدّرکننده

مُقَدِّرَ أُمُورِهِمْ بِمَقَادِيرِ أَرْزَاقِهِمْ لَا تَحُلْ

کارهایشان بر پایه اندازه‌گیری روزی‌شان! میان ما و

بَيْنَنَا وَبَيْنَ رِزْقِكَ وَ مَا أَصْبَحْنَا فِيهِ

روزی‌ات حائل مشو. ما به آنچه از کرامتت بدان صبح

مِنْ كَرَامَتِكَ مُعْتَرِفِينَ بِهِ قَدْ أَصِيبَ

کرده‌ایم، معترفیم. به سبب گناهان ما، بی‌گناهان را از



مَنْ لَا ذَنْبَ لَهُ مِنْ خَلْقِكَ بِذُنُوبِنَا

آفریدگانت دچار بلا ساخته‌ای؛ پس به حق کسی که او را

ارْحَمْنَا بِمَنْ جَعَلْتَهُ أَهْلًا لِاسْتِجَابَةِ

شایسته اجابت دعا قرار داده‌ای، هرگاه تو را بخواند ای

دُعَائِهِ حِينَ سَأَلَكَ يَا رَحِيمُ لَا تَحْبِسْ

مهربان بر ما رحمت آور. آنچه را در آسمان داری از

عَنَّا مَا فِي السَّمَاءِ وَانْشُرْ عَلَيْنَا نِعْمَكَ

ما بازمدار، نعمت‌هایت را بر ما بگستران، رحمتت را بر

وَ عُدْ عَلَيْنَا بِرَحْمَتِكَ وَ ابْسُطْ عَلَيْنَا

ما بازآور، سایه حمایتت را بر ما بیفکن، پذیرشت را به ما

كَنْفَكَ وَ عُدْ عَلَيْنَا بِقَبُولِكَ وَ اسْقِنَا

بازگردان، و ما را غیث و باران بنوشان. ما را از ناامیدان



الْغَيْثَ وَلَا تَجْعَلْنَا مِنَ الْقَانِطِينَ وَلَا

قرار مده، به خشکسالی نابود مساز، و به کيفر کار اهل

تُهْلِكُنَا بِالسَّيْنِ وَلَا تُؤَاخِذْنَا بِمَا فَعَلْ

باطل مؤاخذه مفرما، و ای پروردگار، ما را از انتقام در

الْمُبْطِلُونَ وَعَافِنَا يَا رَبِّ مِنَ النَّقْمَةِ فِي

دين و شماتت دشمنان کافر در امان بدار. ای صاحب

الدِّينِ وَ شَمَاتَةِ الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ يَا ذَا

سودرسانی و پیروزی! اگر دعای ما را اجابت کنی، این از

النَّفْعِ وَالنَّصْرِ إِنَّكَ إِنْ أَجَبْتَنَا فَبِحُودِكَ

جود و کرم توسست و برای کامل کردن آن نعمتی است که

وَكَرَمِكَ وَلِإِثْمَامِ مَا بَنَا مِنْ نَعْمَائِكَ

بر ما ارزانی داشته‌ای؛ و اگر ما را رد کنی، به سبب جنایت



وَإِنْ تَرَدُّدْنَا فَبِجَنَائِتِنَا عَلَى أَنْفُسِنَا

خود ما بر خویشتن خواهد بود؛ پس پیش از آن که ما را

فَاعْفُ عَنَّا قَبْلَ أَنْ تَصْرِفَنَا وَأَقْلِنَا وَ

بازگردانی، از ما درگذر، لغزش ما را نادیده گیر، و ما را با

اَقْلِبْنَا بِإِنْجَاحِ الْحَاجَةِ يَا اللَّهُ.

برآورده شدن حاجت بازگردان، ای خدا!





«۱۳»

محمد برای ما خبر داد، او گفت پدرم از پدرش، از جدش جعفر بن محمد از پدرش عَلَيْهِ السَّلَام روایت کرده است: که همانا علی عَلَيْهِ السَّلَام هرگاه برای طلب باران [نماز و دعا] می خواند، با این دعا دعا می کرد:

اللَّهُمَّ اَنْشُرْ عَلَيْنَا رَحْمَتَكَ بِالْغَيْثِ

خدایا! رحمت خود را با بارانی ژرف و پربرکت و ابری

الْعَمِيقِ وَالسَّحَابِ الْفَتِيقِ وَمَنْ عَلَى

گشوده بر ما بگستر؛ و بر بندگان خویش به گونه های

عِبَادِكَ بَيْنُوعِ الثَّمَرَةِ وَ أَحْيِ بِلَادَكَ

گوناگون میوه ها منت گذار؛ و شهرها و سرزمین های خود را



بِبُلُوغِ الزَّهْرَةِ وَأَشْهَدُ مَلَائِكَتَكَ الْكَرَامَ

باشکوفایی گل و گیاه زنده کن؛ و فرشتگان بزرگوار رساننده

السَّفَرَةِ بِسَقْيِ مِنْكَ نَافِعَةٍ دَائِمَةٍ غَزِرَةٍ

پیام را بر باران پرفایده، همیشگی، فراوان و گسترده گواه

وَاسِعَةٍ دِرْرُهُ وَابِلًا سَرِيعًا وَحَيًّا مَرِيعًا

گیر؛ بارانی که قطره‌هایش فراوان و دانه‌دانه و شتابان باشد؛

تُحْيِي بِهِ مَا قَدْ مَاتَ وَتَرُدُّ بِهِ مَا قَدْ

زندگی‌بخش و پرورنده؛ که به وسیله آن مرده‌ها را زنده

فَاتَ وَتُخْرِجُ بِهِ مَا هُوَ آتٍ وَتُوسِّعُ لَنَا

کنی، آنچه از دست رفته بازگردانی، آنچه در راه است پدید

فِي الْأَقْوَاتِ سَحَابًا مُتَرَاكِمًا هَنِئَاءً

آوری، و روزی ما را فراوان سازی. بارانی از ابرانبوه، گوارا و



مَرِيئاً طَبَقاً دَفْقاً غَيْرَ مُضِرٍّ وَدَقَّةً وَلَا

دلپذیر، فراگیر و ریزان، که بارشش زیان آور نباشد و برقش

خُلْبِ بَرَقُهُ. **اللَّهُمَّ** اسْقِنَا غَيْثاً مُغِيثاً

بی حاصل نباشد. خدایا! به ما بارانی عطا کن که یاری رسان

مَرِيئاً مُمَرَّعاً عَرِيضاً وَاسِعاً غَزِيْرًا تَرْدُ

و زندگی بخش و پرثمر باشد، پهناور و گسترده و فراوان؛

بِهِ النَّهِيْضَ وَتَجَبُّرُهُ الْمَهِيْضَ. **اللَّهُمَّ**

که به وسیله آن، زمین های خشک را سیراب و زمین های

اسْقِنَا سَقِيًّا تُسِيْلُ مِنْهُ الرِّحَابَ وَتَمْلَأُ

شکسته و آسیب دیده را آباد گردانی. خدایا! به ما بارانی

بِهِ الْجَبَابَ وَتُفَجِّرُهُ الْاَنْهَارَ وَتُنْبِتُ

عنایت کن که صحنه ها را از آب لبریز کند، حوض ها را پر



بِهِ الْأَشْجَارَ وَتُرْخِّصُ بِهِ الْأَسْعَارَ فِي

سازد، نهرها را به جریان آورد، درختان را برویاند، قیمت‌ها

جَمِيعِ الْأَمْصَارِ وَتَتَعَشُّ بِهِ الْبَهَائِمُ وَ

را در همه شهرها کاهش دهد، حیوانات و مردم را سرحال

الْخَلْقَ وَتُنْبِتُ بِهِ الزَّرْعَ وَتُدْرِ بِهِ الصَّرْعَ

نماید، کشتزار را برویاند، شیر دام‌ها را فراوان کند و به نیروی

وَتَزِيدُنَا قُوَّةً إِلَى قُوَّتِنَا. **اللَّهُمَّ** لَا تَجْعَلْ

ما بر نیروی ما بیفزاید. خدایا! سایه آن را بر ما چون باد گرم

ظِلَّهُ عَلَيْنَا سَمُومًا وَلَا تَجْعَلْ بَرْدَهُ عَلَيْنَا

مرگبار قرار مده، خنکای آن را بر ما چون سرمای نابودگر قرار

حَسُومًا وَلَا تَجْعَلْ صَعْقَهُ عَلَيْنَا رُجُومًا

مده، صاعقه آن را بر ما چون سنگباران مجازات قرار مده،



وَلَا تَجْعَلْ مَاءَهُ بَيْنَنَا أُجَابًا. **اللَّهُمَّ**

و آب آن را میان ما تلخ و شور مساز. خدایا! ما را از برکات

ارزُقْنَا مِنْ بَرَكَاتِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ.

آسمان‌ها و زمین روزی بخش.^۱



۱. الجعفریات: ۴۹.



«۱۴»

بخشی از خطبه حضرت علی علیه السلام در [نماز] استسقاء
(درخواست باران):

اَللّٰهُمَّ قَدْ اِنْصَحَتْ جِبَالُنَا وَاغْبَرَّتْ

خدایا، کوه‌های ما خشکیده‌اند، زمین ما غبار گرفته،

اَرْضُنَا وَ هَامَتْ دَوَابُّنَا وَ تَحَيَّرَتْ فِي

چارپایان ما بی‌قرار شده‌اند و در جایگاه‌های خویش

مَرَابِضِهَا وَ عَجَّتْ عَجِيجَ الشَّكَالِي عَلَى

درمانده‌اند؛ همچون مادران داغ‌دیده بر فرزندان‌شان ناله



أَوْلَادِهَا وَ مَلَّتِ التَّرَدُّدَ فِي مَرَاتِعِهَا وَ

می‌کند و از رفت و آمد بی ثمر در مرتع‌های خود خسته و

الْحَيْنَ إِلَى مَوَارِدِهَا فَارْحَمُ أَيْنَ الْآنَةِ

از شوق به آبشخورها نالان گشته‌اند. پس بر ناله‌ی نالندگان

وَ حَيْنَ الْحَانَةِ. اللَّهُمَّ فَارْحَمُ حَيْرَتَهَا

و شوق مشتاقان رحم کن. خدایا، بر سرگشتگی‌شان در

فِي مَذَاهِبِهَا وَأَيْنِهَا فِي مَوَالِحِهَا. اللَّهُمَّ

راه‌های رفت‌شان و بر ناله‌شان در ورودی‌های چراگاه‌شان

خَرَجْنَا إِلَيْكَ حِينَ اعْتَكَرْتُ عَلَيْنَا

ترحم نما. خدایا، ما به سوی تو بیرون آمديم آنگاه که

حَدَايِرُ السِّنِينَ وَ أَخْلَفْتَنَا مَخَائِلُ

سال‌های پی‌درپی و سخت بر ما هجوم آورد و ابرهای

الْجُودِ فَكُنْتَ الرَّجَاءَ لِلْمُبْتَلِّسِ وَالْبَلَاحَ

امید بخش باران ما را ناکام گذاشتند؛ و تو برای اندوهگینان

لِلْمُلْتَمِسِ نَدْعُوكَ حِينَ قَنَطَ الْأَنَامُ

امید و برای جویندگان وسیله رسیدن به مقصد بوده‌ای. تو

و مُنِعَ الْغَمَامُ وَ هَلَكَ السَّوَامُ أَنْ لَا

رامی خوانیم، زمانی که مردم نومید شدند، ابرها باز ایستادند،

تَوَاخِذَنَا بِأَعْمَالِنَا وَلَا تَأْخِذْنَا بِذُنُوبِنَا وَ

و چارپایان هلاک گردیدند؛ [می خوانیم] که ما را به کردارمان

انْشُرْ عَلَيْنَا رَحْمَتَكَ بِالسَّحَابِ الْمُنْبَعِقِ

مجازات مکن و به گناهانمان مؤاخذه منما، و رحمتت را با

وَالرَّبِيعِ الْمُغْدِقِ وَالنَّبَاتِ الْمُونِقِ سَحَاً

ابرهای روان و بهار پرباران و گیاه خوش منظر بر ما بگستران،



وَابِلًا تُحْيِي بِهِ مَا قَدْ مَاتَ وَتَرُدُّ بِهِ مَا

چنان پُر و پیوسته که با آن، آنچه مرده است زنده شود و

قَدْ فَاتَ. اللَّهُمَّ سُقِّيًا مِنْكَ مُحْيِيَةً

آنچه از دست رفته، بازگردد. خدایا، بارانی حیات بخش

مُرْوِيَةً تَامَةً عَامَّةً طَيِّبَةً مُبَارَكَةً هَنِيئَةً

و سیراب کننده، کامل و همگانی، پاک و مبارک، گوارا

مَرِيئَةً زَاكِيًا نَبْتُهَا ثَامِرًا فَرْعُهَا نَاضِرًا

و خوشایند، با رویشی پاک و شاخه‌ای ثمربخش و برگری

وَرَقُهَا تُنْعِشُ بِهَا الضَّعِيفُ مِنْ عِبَادِكَ

تازه و باطراوت قرار ده؛ تا به وسیله آن بندگان ناتوان نیرو

و تُحْيِي بِهَا الْمَيِّتَ مِنْ بِلَادِكَ. اللَّهُمَّ

یابند و سرزمین مرده‌ات زندگی دوباره گیرد. خدایا، بارانی



سُقَيَا مِنْكَ تُعْشَبُ بِهَا نِجَادُنَا وَتُجْرِي

بفرست که دشت‌های ما را سرسبز گرداند، درّه‌هایمان

بِهَا وَهَادُنَا وَتُخْصِبُ بِهَا جَنَابُنَا وَتُقْبِلُ

را جویباران جاری فراگیرد، اطرافمان حاصل‌خیز شود،

بِهَا ثِمَارُنَا وَتَعِيشُ بِهَا مَوَاشِينَا وَتَنْدِي

میوه‌هایمان برسد، چهارپایان ما زیست یابند، دورترین

بِهَا أَقَاصِينَا وَتَسْتَعِينُ بِهَا ضَوَاحِينَا

نقاط ما نمناک شود، و روستاها و حومه‌هایمان از برکات

مِنْ بَرَكَاتِكَ الْوَاسِعَةِ وَعَطَايَاكَ الْجَزِيلَةِ

گسترده و عطایای بزرگ بهره‌مند شوند، بر آفریدگان بینوا

عَلَى بَرِيَّتِكَ الْمُرْمِلَةِ وَوَحْشِكَ الْمُهْمَلَةِ

و حیوانات وحشت‌نشین رهاشده‌ات. بر ما آسمانی پُرآب،



وَ أَنْزَلَ عَلَيْنَا سَمَاءً مُخْضِلَةً مِدْرَارًا

پیوسته باران، وریزان فرود آور؛ بارانی که قطره‌هایش همچون

هَاطِلَةً يُدَافِعُ الْوَدْقُ مِنْهَا الْوَدْقَ وَيَحْفَرُ

موج، پی در پی یکدیگر را برانند و قطره‌اش قطره‌ی دیگر را

الْقَطْرُ مِنْهَا الْقَطَرُ غَيْرَ خُلْبٍ بَرَقُهَا وَ

تعقیب کند، که نه برقش فریبکارانه باشد، نه ابرش تهی و

لَا جَهَامٍ عَارِضُهَا وَ لَا قَزَعٍ رَبَابُهَا وَ

بی بار، نه پاره‌ابرهایش پراکنده زیان آور، و نه رفتنش بی ثمر؛

لَا شَفَّانٍ ذَهَابُهَا يُخْصِبُ لِإِمْرَاعِهَا

به گونه‌ای که خشک سالان به سبب سرسبزی آن، بهره‌مند

الْمُجْدِبُونَ وَ يَحْيَا بِبَرَكَتِهَا الْمُسْنِتُونَ

گردند و سال‌خوردگان ناتوان به برکتش زنده شوند؛ زیرا تو



فَإِنَّكَ تُنْزِلُ الْغَيْثَ مِنْ بَعْدِ مَا قَنَطُوا وَ

باران را پس از نومیدی [مردم] فرو می فرستی و رحمتت را

تَنْشُرُ رَحْمَتَكَ وَأَنْتَ الْوَلِيُّ الْحَمِيدُ.

می گسترانی، و تو سرپرست ستوده ای.^۱



۱. نهج البلاغة: ۱۷۱.



«۱۵»

بخشی از خطبه استسقای امام علی علیه السلام از نهج البلاغه:
آگاه باشید! زمینی که شما را بر دوش می‌کشد و آسمانی که
بر شما سایه افکنده‌است، مطیع پروردگار شما هستند. آن
دو نه از روی دلسوزی برای شما و نه برای تقرب به شما و نه
به امید خیری از شما، برکات خود را به شما ارزانی نمی‌دارند،
بلکه به دستور پروردگار برای منافع شما آفریده شده‌اند و
اطاعت کرده‌اند و بر اساس مصالح شما برپا شده‌اند. بدانید
که خداوند بندگانش را هنگام انجام کارهای ناشایست، با
کمبود میوه‌ها، بازداشتن برکات و بستن خزانه‌های خیرات
می‌آزماید، تا توبه‌کننده‌ای توبه کند، گناهکاری دست از گناه
بردارد، پندگیرنده‌ای پند گیرد و بازدارنده‌ای بازدارد. و خداوند
سبحان استغفار را سبب فراوانی روزی و رحمت به خلق قرار



داده است، چنانکه فرمود: «از پروردگار خود آمرزش بطلبید که او بسیار آمرزنده است تا باران پربرکت را پی در پی بر شما بفرستد و شما را با اموال و فرزندان یاری کند» (نوح: ۱۰-۱۲). رحمت خدا بر کسی باد که به پیشواز توبه خود رود، از خطایش درگذرد و پیش از مرگش به این کار مبادرت ورزد.

اَللّٰهُمَّ اِنَّا خَرَجْنَا اِلَيْكَ مِنْ تَحْتِ

خدایا! ما از پناهگاه‌ها و خانه‌های خود به سوی

الْاُسْتَارِ وَالْاُكُنَّانِ وَ بَعْدَ عَجِيجِ

تو آمدید، پس از ناله حیوانات و کودکان، در حالی

الْبَهَائِمِ وَالْوِلْدَانِ رَاغِبِينَ فِي رَحْمَتِكَ

که مشتاق رحمت تو، امیدوار به فضل نعمت و

وَ رَاغِبِينَ فِضْلَ نِعْمَتِكَ وَ خَائِفِينَ

ترسان از عذاب و کیفرت هستیم. خدایا! پس باران



مِنْ عَذَابِكَ وَنَقِمَتِكَ. اَللّٰهُمَّ فَاسْقِنَا

رحمت را بر ما بباران و ما را از ناامیدان قرار مده

غَيْثَكَ وَلَا تَجْعَلْنَا مِنَ الْقَانِطِينَ وَلَا

و با خشکسالی‌ها ما را هلاک مکن و ما را به خاطر

تُهْلِكُنَا بِالسِّنِينَ وَلَا تُؤَاخِذْنَا بِمَا فَعَلَ

کارهای نابخردانه سفیهان از میانمان مؤاخذه نکن،

السُّفَهَاءُ مِنَّا يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. اَللّٰهُمَّ

ای مهربانترین مهربانان! خدایا! ما به سوی تو آمدم

إِنَّا خَرَجْنَا إِلَيْكَ نَشْكُو إِلَيْكَ مَا لَا يَخْفَى

و نزد تو شکایت می‌کنیم از آنچه بر تو پوشیده

عَلَيْكَ حِينَ الْجَأْتُنَا الْمَضَاقِ الْوَعْرَةَ وَ

نیست، هنگامی که تنگناهای سخت ما را در



أَجَاءَتْنَا الْمَقَاحِطُ الْمُجْدِبَةُ وَأُعِيتْنَا

مضيقه قرار داد و زمین های خشک ما را به ستوه آورد

الْمَطَالِبُ الْمُتَعَسِّرَةُ وَتَلَاَحَمَتْ عَلَيْنَا

و طلب های دشوار ما را درمانده ساخت و فتنه های

الْفِتْنِ الْمُسْتَصْعَبَةُ. اللَّهُمَّ إِنَّا نَسْأَلُكَ

سخت بر ما چیره شد. خدایا! از تو می خواهیم که

أَنْ لَا تَرُدَّنَا خَائِبِينَ وَلَا تَقْلِبْنَا وَاجِمِينَ

ما را ناامید برنگردانی و اندوهگین ما را بازمگردانی و

وَلَا تُخَاطِبَنَا بِذُنُوبِنَا وَلَا تُقَايِسَنَا

با گناهانمان ما را مخاطب قرار ندهی و با اعمالمان

بِأَعْمَالِنَا. اللَّهُمَّ انْشُرْ عَلَيْنَا غِيْثَكَ

ما را محاسبه نکنی. خدایا! باران و برکت و روزی



وَبَرَكَتِكَ وَرِزْقِكَ وَرَحْمَتِكَ وَاسْقِنَا

و رحمت را بر ما بگستران و بارانی سودبخش،

سُقِيَا نَافِعَةً مُرْوِيَةً مُعْشِبَةً تُنْبِتُ

سیراب کننده و رویاننده بر ما بیاران که با آن آنچه

بِهَا مَا قَدْ فَاتَ وَتُحْيِي بِهَا مَا قَدْ مَاتَ

از دست رفته است بازگردد و آنچه مرده است زنده

نَاقِعَةً الْحَيَاءِ كَثِيرَةَ الْمُجْتَنَى تُرْوِي

شود، بارانی سیراب کننده و پرثمر که دشت ها را

بِهَا الْقِيَعَانَ وَتُسِيلُ بِهَا الْبُطْنَانَ وَ

سیراب کند و دره ها را جاری سازد و درختان را

تَسْتَوْرِقُ الْأَشْجَارَ وَتُرَخِّصُ الْأَسْعَارَ

سبز کند و قیمت ها را ارزان نماید، که تو بر هر چه



إِنَّكَ عَلَىٰ مَا تَشَاءُ قَدِيرٌ.

بخواهی توانایی!





«۱۶»

[امیر المؤمنین] علیه السلام در دعایی که با آن استسقاء
(درخواست باران) کرد، فرمود:

اَللّٰهُمَّ اسْقِنَا ذُلَّ السَّحَابِ دُونَ

خدایا، ما را از ابرهای رام و آرام سیراب کن، نه از ابرهای

صِغَابِهَا.

سخت و دشوار.^۱



۱. نهج البلاغة: ۵۵۸.



«۱۷»

از سندی بن محمد از ابی البختری وهب بن وهب قرشی از صادق از پدرش از جدش نقل کرد که گفت: گروهی نزد علی بن ابی طالب علیه السلام گرد آمدند و از کمی باران شکایت کردند و گفتند: ای ابالحسن، برای ما در استسقاء دعاهایی بخوان. پس علی حسن و حسین علیهما السلام را فراخواند و به حسن علیه السلام گفت: برای ما در استسقاء دعاهایی بخوان. حسن علیه السلام گفت:

اللَّهُمَّ هَيِّجْ لَنَا السَّحَابَ تُفَتِّحِ الْأَبْوَابَ

خدایا برای ما ابر را برانگیز، که درهایش را بگشاید

بِمَاءِ عُبَابٍ وَرَبَابٍ بِأَنْصِبَابٍ وَإِسْكَابٍ

با آبی انبوه و پی‌درپی، فروریزنده و روان، ای



يَا وَهَّابُ اسْقِنَا مُغْدِقَةً مُؤْنِقَةً فَتِّحْ

وهّاب، بر ما بارانی فراوان و خوش منظر فرو فرست،

أَغْلَقَهَا وَيَسِّرْ أَطْبَاقَهَا وَعَجِّلْ سِيَاقَهَا

قفل‌های آن را بگشا و طبقات آن را آسان کن و

بِالْأَنْدِيَةِ فِي بُطُونِ الْأَوْدِيَةِ بِصَوْبِ الْمَاءِ

جریانش را در انجمن‌ها و درون دره‌ها شتاب ده،

يَا فَعَّالُ اسْقِنَا مَطَرًا قَطْرًا طَلًّا مُطَلًّا

با ریزش آب، ای فعال. بر ما بارانی فرو فرست

مُطَبَّقًا طَبَقًا عَامًّا مِعْمًا دَهْمًا بِهِمَا رَجْمًا

قطره قطره، ریزان، پیوسته، فراگیر، پهن دامنه، تیره،

[رُحْمًا] رَشًّا مُرَشًّا وَاسِعًا كَافِيًا عَاجِلًا

انبوه، رحمت بار، پاشنده، ریزان، گسترده، بسنده،



طَيِّباً مُبَارَكاً سُلَاطِحاً بُلَاطِحاً يُنَاطِحُ

شتابان، پاکیزه، پربرکت، فراگیرنده، پهن گستر،

الْأَبَاطِحَ مُغْدَوْدِقاً مُطْبَوْبِقاً مُغْرَوْرِقاً وَ

که دامنه‌ها را بنوازد، فزون ریز، بسیار ریز، سرشار،

اسْقِي سَهْلَنَا وَجَبَلَنَا وَبَدُونَنَا وَحَضْرَنَا

و سهل و کوه و بادیه و شهر ما را سیراب کن تا

حَتَّى تُرَخِّصَ بِهِ أَسْعَارَنَا وَتُبَارِكْ لَنَا

به سبب آن نرخ‌های ما ارزان شود و در صاع و مُدّ

فِي صَاعِنَا وَ مُدِّنَا أَرِنَا الرِّزْقَ مَوْجُوداً وَ

ما برکت نهی، و روزی را برای ما موجود و گرانی را

الْغَلَاءَ مَفْقُوداً آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ.

نابود بنمای. آمین ربّ العالمین.



سپس به حسین علیه السلام گفت: دعا کن. حسین علیه السلام گفت:

اللَّهُمَّ يَا مُعْطِيَ الْخَيْرَاتِ مِنْ مَنَاهِلِهَا وَ

خدایا ای بخشنده خیرات از سرچشمه هایش،

مُنْزِلَ الرَّحْمَاتِ مِنْ مَعَادِنِهَا وَ مُجْرِي

و نازل کننده رحمت ها از جایگاه هایش، و

الْبَرَكَاتِ عَلَى أَهْلِهَا مِنْكَ الْغَيْثُ

روان کننده برکت ها بر اهلش؛ از جانب توست

الْمُغِيثُ وَأَنْتَ الْغِيَاثُ الْمُسْتَعَاثُ وَ

باران یاری رسان و تویی پناه بخشِ مورد استغاثه،

نَحْنُ الْخَاطِئُونَ وَأَهْلُ الذُّنُوبِ وَأَنْتَ

و ما خطاکاران و اهل گناهیم و تویی آمرزیده



الْمُسْتَغْفِرُ الْغَفَّارُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ. اللَّهُمَّ

آمرزنده؛ خدایی جز تو نیست. خدایا آسمان را در

أَرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْنَا لِحِينِهَا مِدْرَاراً وَ

وقتش بر ما پی در پی فرو فرست و ما را باران رسانی

اسْقِنَا الْغَيْثَ وَاكْفَا مِغْزَاراً غَيْثاً مُغِيثاً

بخشش گر، سیار ریز، بارانی یاری بخش، فراخ و

وَاسِعاً مُتَّسِعاً مَرِيّاً مُمَرِّعاً غَدِقاً مُغْدِقاً

گسترده، گوارا، رویاننده، فراوان، سرشار، خروشان،

غِيلَانَا [غَيْدَاقاً] سَحّاً سَحْسَاحاً بَحّاً

پی در پی، روان، ریزان، عام، پرباران، فزون ریز عطا

بَحَاحاً سَائِلاً مُسْبِلاً عَامّاً وَدَقّاً مِطْفَاحاً

کن، که باران را با باران براندازد و قطره از پس



يَدْفَعُ الْوَدَقَ بِالْوَدَقِ دِفَاعاً وَيَتْلُو الْقَطْرُ

قطره آید، بی آنکه برقش فریبنده و رعدش دروغ گو

مِنْهُ قَطْرًا غَيْرَ خُلْبٍ بَرَقُهُ وَلَا مُكَذِّبٍ

باشد، که بدان بنده ضعیف خود را نیرومند

رَعْدُهُ تُنْعِشُ بِهِ الضَّعِيفَ مِنْ عِبَادِكَ

سازی و به آن سرزمین مردهات را زنده کنی و به

وَتُحْيِي بِهِ الْمَيِّتَ مِنْ بِلَادِكَ وَتَسْتَحِقُّ

آن نعمت های خویش را بر ما استحقاق بخشی.

بِهِ عَلَيْنَا مِنْ مِّنِكَ آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ.

آمین رب العالمین.

چون از دعای خود فارغ شدند، خداوند تبارک و تعالی

آسمان را بر آنان فرو ریختن گرفت. گفته شد به سلمان: ای

اباعبدالله، آیا آن دو این دعا را آموخته بودند؟ گفت: وای بر



شما، کجا هستید از حدیث رسول خدا ﷺ که می‌فرمود:
همانا خدا بر زبان‌های اهل بیت من چراغ‌های حکمت را
جاری ساخته است.^۱



۱. قرب الإسناد: ۷۳.



«۱۸»

دعای امام سجاد علیه السلام برای درخواست باران:

اَللّٰهُمَّ اسْقِنَا سُقَيَا وَاسِعَةً وَّادِعَةً عَامَّةً

خدایا بر ما بارانی فراخ، آرام، فراگیر و سودمند فرو

نافعه غَیر ضارّة تعمُّ بها حاضِرنا و

فرست، نه زیان بار؛ چنان که بدان شهر و بادیه ما را فرا

بادینا و تَزیدُهُ بها فی رِزْقنا و شُکْرنا.

گیرد، و روزی و شکر ما را بدان بیفزایی. خدایا آن را

اَللّٰهُمَّ اجْعَلْهُ رِزْقَ اِيْمَانٍ وَّعَطَاءِ اِيْمَانٍ

روزیِ ایمان و بخششِ ایمان قرار ده، که بخشش تو



إِنَّ عَطَائِكَ لَمْ يَكُنْ مَحْظُورًا. اَللّٰهُمَّ

هرگز ممنوع نبوده است. خدایا بر سرزمین ما آن را فرود

أَنْزِلْ عَلَيْنَا فِي أَرْضِنَا سَكَنَهَا وَأَنْبِثْ

آور، آرامش آن را در آن پدید آور، و زیور و چراگاهش را

فِيهَا زَيْنَتَهَا وَمَرَاعَاهَا.

در آن برویان^۱.



۱. عیون الأخبار: ۲/۲۷۹.



«۱۹»

ثابت بنانی گفت: با گروهی از عباد بصره مانند ایوب سجستانی و صالح مُرّی و عتبه الغلام و حبیب فارسی و مالک بن دینار حاج بودم. چون وارد مکه شدیم دیدیم آب کم است و به سبب کمی باران، تشنگی بر مردم سخت شده است. اهل مکه و حاجیان به سوی ما پناه آوردند و از ما خواستند برایشان استسقاء کنیم. پس به کعبه آمدیم و بر گرد آن طواف کردیم، سپس در برابر آن خاضعانه و زاری کنان از خدا درخواست کردیم؛ اما اجابت نشد.

در همان حال ناگاه جوانی را دیدیم که آمد و اندوه‌ها او را سخت در فشار انداخته و غم‌ها آرامش از او ربوده بود. چند شوط طواف کرد، سپس به سوی ما آمد و گفت: ای مالک بن دینار، و ای ثابت بنانی، و ایوب سجستانی، و صالح مُرّی، و



عتبة الغلام، و حبيب فارسی، وای سعد، وای عمر، وای صالح
اعمی، وای رابعه، وای سعدانه، وای جعفر بن سلیمان!
گفتیم: لَبِیک و سعدیک ای جوان! گفت: آیا در میان شما
کسی نیست که رحمن او را دوست بدارد؟ گفتیم: ای جوان، بر
ما دعاست و بر او اجابت. گفت: از کعبه دور شوید؛ اگر در میان
شما کسی بود که رحمن او را دوست بدارد، او را اجابت می‌کرد.
سپس به کعبه آمد و به سجده افتاد، و شنیدم که در
سجده‌اش می‌گفت:

سَيِّدِي بِحَبِّكَ لِي إِلَّا سَقَيْتَهُمْ

ای سرور من، تو را به محبت نسبت به من، جز این که
الْغَيْثَ.

باران را بر آنان فرو فرستی.

هنوز کلام را به پایان نرسانده بود که باران همچون
دهانه‌های مشک‌ها بر آنان فرو ریخت. گفتیم: ای جوان، از کجا
دانستی که او تو را دوست دارد؟ گفت: اگر مرا دوست نداشت



به زیارت خودم فرا نمی خواند، و چون مرا فراخواند دانستم که مرا دوست دارد. پس او را به محبتش نسبت به من سوگند دادم و اجابتم کرد. سپس از ما دور شد و این گونه گفت:

هر که پروردگار را بشناسد و آن شناخت برایش بی نیازکننده نباشد، او همان تیره بخت است.

آنچه در راه طاعت خدا به او رسد زیانی ندارد و آنچه در طاعت او با آن روبه رو شود نیز.

بنده بی پرهیزگاری چه سودی دارد؟ که همه عزت برای پرهیزگار است.

گفتم: ای اهل مکه، این جوان کیست؟ گفتند: علی بن الحسین بن علی علیه السلام^۱.



۱. الاحتجاج: ۳۱۶/۲.



((۲۰))

از جمله دعا‌های امام زین العابدین علیه السلام در هنگام طلب باران پس از خشک‌سالی این بود:

اللَّهُمَّ اسْقِنَا الْغَيْثَ وَانْشُرْ عَلَيْنَا رَحْمَتَكَ

خدایا بر ما باران فرو فرست و رحمتت را بر ما بگستر،

بِغَيْثِكَ الْمُغْدِقِ مِنَ السَّحَابِ الْمُنْسَاقِ

با باران فراوان خود از ابری روان برای رویش زمین

لِنَبَاتِ أَرْضِكَ الْمُونِقِ فِي جَمِيعِ الْأَفَاقِ

نیکوی تو در همه افق‌ها، و بر بندگان منت گذار با



وَأَمْنٌ عَلَى عِبَادِكَ بَيْنَاعِ الشَّمَرَةِ وَأَخِي

به بار نشستن میوه، و سرزمینت را با رسیدن شکوفه

بِلَادِكَ بِبُلُوغِ الزَّهَرَةِ وَأَشْهَدُ مَلَائِكَتَكَ

زنده گردان، و فرشتگان گرامی سفیرت را گواه بگیر

الْكَرَامَ السَّفَرَةَ بِسَقْيِ مِنْكَ نَافِعٍ دَائِمٍ

بر سیرابی ای از جانب تو، سودمند، پیوسته، پرآب،

غُرَّةً وَاسِعَةً دِرْرَةً وَابِلٍ سَرِيعٍ عَاجِلٍ تُحْيِي

فراخ، پربارش، سنگین، شتابان، نزدیک، که بدان

بِهِ مَا قَدْ مَاتَ وَتَرُدُّ بِهِ مَا قَدْ فَاتَ وَتُخْرِجُ

آنچه مرده است زنده می کنی و آنچه گذشته است

بِهِ مَا هُوَ آتٍ وَتُوسِّعُ بِهِ فِي الْأَقْوَاتِ سَحَاباً

بازمی گردانی و آنچه در راه است بیرون می آوری و

مُتْرَاكِمَا هَنِئاً مَرِيئاً طَبَقاً مُجَلَجَلًا

بدان در روزی‌ها گشایش می‌دهی؛ ابری انبوه، گوارا،

غَيْرِ مُلِيتٍ وَدَقُّهُ وَلَا خُلْبٍ بَرَقُهُ. **اللَّهُمَّ**

خوش‌گذر، فراگیر، پرغرش، که بارشش آزارنده نباشد

اسْقِنَا غَيْثًا مُغِيثًا مَرِيْعًا مُمْرِعًا عَرِيضًا

و برقش فریبنده نباشد. خدایا بر ما بارانی یاری‌بخش،

وَاسِعًا غَزِيْرًا تَرْدُ بِهِ النَّهِيْضَ وَتَجْبِرُ بِهِ

رویاننده، بارورکننده، پهن‌دامنه، فراخ و فراوان فرو

الْمَهِيْضَ. **اللَّهُمَّ** اسْقِنَا سَقِيًّا تُسِيْلُ مِنْهُ

فرست که بدان نیرومند را بازآوری و ناتوان را درمان

الظَّرَابَ وَتَمْلَأُ مِنْهُ الْجَبَابَ وَتُفَجِّرُ بِهِ

کنی. خدایا بر ما بارانی فرو فرست که بدان دامنه‌ها



الْأَنْهَارَ وَتُنْبِتُ بِهِ الْأَشْجَارَ وَتُرْخِصُ بِهِ

روان شود و گودال‌ها پر گردد و بدان رودها را بشکافی

الْأَسْعَارَ فِي جَمِيعِ الْأَمْصَارِ وَتَنْعَشُ بِهِ

و درختان را برویانی و نرخ‌ها را در همه شهرها ارزان

الْبَهَائِمَ وَالْخَلْقَ وَتُكْمِلُ لَنَا بِهِ طَيِّبَاتِ

سازی و چهارپایان و مردمان را بدان نوزایی دهی و

الرِّزْقِ وَتُنْبِتُ لَنَا بِهِ الزَّرْعَ وَتُدْرِبُهُ الضَّرْعَ

نعمت‌های پاکیزه روزی را برای ما کامل کنی و بدان

وَتَزِيدُنَا بِهِ قُوَّةً إِلَى قُوَّتِنَا. **اللَّهُمَّ** لَا تَجْعَلْ

کشت برآوری و پستان‌ها را پرشیر گردانی و نیرویی بر

ظِلَّهُ عَلَيْنَا سَمُومًا وَلَا تَجْعَلْ بَرْدَهُ عَلَيْنَا

نیروی ما بیفزایی. خدایا سایه‌اش را بر ما چون سموم



حُسُوماً وَلَا تَجْعَلْ صَوْبَهُ عَلَيْنَا رُجُوماً وَ

مسوز قرار مده و سردی اش را بر ما چون عذاب بُرنده

لَا تَجْعَلْ مَاءَهُ عَلَيْنَا أُجَاباً. **اللَّهُمَّ** صَلِّ

مسلط مکن و ریزشش را بر ما چون سنگ باران قرار

عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ ارْزُقْنَا مِنْ

مده و آبش را بر ما چون آب شور و تلخ مکن. خدایا بر

بَرَكَاتِ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ إِنَّكَ عَلَى

محمد و آل محمد درود فرست و از برکات آسمان ها و

كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

زمین روزی ما ده که تو بر هر چیز توانایی^۱.

۱. صحیفه سجادیه: دعای ۱۹.



«۲۱»

مفسر با سند خود از ابومحمد عسکری از پدرش از جدش عليه السلام روایت کرده است که وقتی مأمون، علی بن موسی الرضا علیه السلام را ولی عهد خود گردانید، باران بازایستاد و برخی از اطرافیان مأمون و کسانی که بر ضد امام رضا علیه السلام تعصب داشتند گفتند: بنگرید! چون علی بن موسی علیه السلام نزد ما آمد و ولی عهد ما شد، خدا باران را از ما بازداشت. این سخن به مأمون رسید و بر او سخت آمد. به امام رضا علیه السلام گفت: باران بازایستاده است، اگر خدا را بخوانی تا مردم را باران دهد. امام رضا علیه السلام گفت: آری. گفت: چه وقت چنین می کنی؟ آن روز، روز جمعه بود. فرمود: روز دوشنبه؛ زیرا دیشب رسول خدا صلی الله علیه و آله نزد من آمد و امیرالمؤمنین علیه السلام نیز با او بود و گفت: پسر، روز دوشنبه را انتظار بگیر، به صحرا بیرون شو و طلب



باران کن که خدا مردم را سیراب خواهد کرد، و برایشان از آنچه خدا به تو می‌نمایاند و آنان حال آن را نمی‌دانند خبر بده تا علمشان به فضیلت و منزلت نزد پروردگارت افزون شود. چون روز دوشنبه شد به صحرا رفت و مردم بیرون آمدند و می‌نگریستند. بر منبر رفت و خدا را حمد و ثنا کرد و سپس گفت:

اللَّهُمَّ يَا رَبِّ أَنْتَ عَظَّمْتَ حَقَّنَا أَهْلَ

خدایا، ای پروردگار من، تو حق ما اهل بیت را بزرگ
الْبَيْتِ فَتَوَسَّلُوا بِنَا كَمَا أَمَرْتَ وَأَمَلُوا

داشته‌ای، پس آنان به ما توسل جستند چنان که خود فرمان

فَضْلِكَ وَرَحْمَتِكَ وَتَوَقَّعُوا إِحْسَانَكَ وَ

دادی، و فضل و رحمت را امید بردند و احسان و نعمت

نِعْمَتِكَ فَاسْقِهِمْ سَقِيًّا نَافِعًا عَامًّا غَيْرَ

را انتظار کشیدند، پس بر آنان بارانی فراگیر و سودمند و



رَائِثٌ وَلَا ضَائِرٌ

بی درنگ و بی زیان فرو فرست.

به خداوندی که محمد ﷺ را به حق پیامبر برانگیخت، سوگند که بادهای در هوا ابرها را تنیدند و رعد و برق پدید آمد و مردم چنان به حرکت درآمدند که گویی از باران دور می شوند. امام رضا علیه السلام گفت: آرام گیرید ای مردم، این ابر برای شما نیست، بلکه از آن مردم فلان شهر است. پس ابر گذشت. سپس ابری دیگر با رعد و برق آمد و آنان به حرکت درآمدند. گفت: آرام باشید، این نیز از آن شما نیست، بلکه از اهل فلان شهر است. همین گونه تا ده ابر پی در پی آمد و گذشت و امام رضا علیه السلام در هر بار می گفت: آرام باشید، این برای شما نیست، بلکه برای اهل فلان شهر است. سپس ابر یازدهم آمد. فرمود: ای مردم، این را خدا برای شما فرستاده است، پس نعمت خدا را بر خود سپاس گوئید و به سوی خانه هایتان بروید، که این ابر برابر شما و بر فراز سرهای شما نگاه داشته شده است تا به قارگاه هایتان داخل شوید، سپس از نیکی آنچه



درخور کرم و جلال خداست به شما خواهد رسید. از منبر فرود آمد و مردم روانه شدند و ابر همچنان نگاه داشته شد تا به خانه‌هایشان نزدیک شدند، آنگاه باران سخت فرو ریخت و دره‌ها و حوض‌ها و گودال‌ها و بیابان‌ها را پر کرد. مردم می‌گفتند: خوشا بر فرزند رسول خدا ﷺ کرامت‌های خدای عزوجل. سپس امام رضا علیه السلام بر آنان بیرون شد و گروه فراوانی گرد آمدند. گفت: ای مردم، از خدا در نعمت‌های او بر شما پروا کنید؛ آن‌ها را با معصیت از خود نرانید، بلکه با طاعت و شکر بر نعمت‌ها و احسان‌های او پایدارشان کنید، و بدانید شما خدا را به چیزی پس از ایمان به خدا و پس از اعتراف به حقوق اولیای خدا از آل محمد رسول خدا ﷺ سپاس نمی‌گویید که نزد او محبوب‌تر باشد از یاری کردن برادران مؤمنان در دنیایی که گذرگاهشان به سوی بهشت پروردگارشان است؛ زیرا هر که چنین کند از خاصان خدای تبارک و تعالی است، و پیامبر خدا در این باره سخنی فرموده که سزاوار نیست کسی بر فضل خدا نسبت به خود در آن زهد ورزد اگر در آن بیندیشد و بدان عمل کند. گفته شد: ای رسول خدا، فلانی هلاک شد؛



از گناهان چنین و چنان می‌کرد. رسول خدا ﷺ فرمود: بلکه نجات یافت و خداوند کارش را جز به نیکی پایان نخواهد داد و گناهانش را خواهد زدود و برایش به حسنات تبدیل خواهد کرد؛ زیرا یک بار در راهی می‌گذشت، مؤمنی را دید که عورتش ناخواسته آشکار شده بود، پس آن را پوشاند و به او نگفت از بیم آنکه شرمسار گردد. آنگاه آن مؤمن او را شناخت و در جایی گفت: خدا پاداشت را افزون کند و بازگشتت را گرمی دارد و در حسابت سخت نگیرد، پس خدا در باره او این دعا را پذیرفت و این بنده جز به خیر ختم نمی‌شود به سبب دعای آن مؤمن. آن سخن رسول خدا ﷺ به آن مرد رسید، پس توبه کرد و بازگشت و روی به طاعت خدا آورد. هفت روز نگذشت که به رمه مدینه یورش برده شد و رسول خدا ﷺ گروهی را در پی آنان فرستاد، آن مرد نیز از آنان بود و به شهادت رسید. امام محمد بن علی بن موسی علیه السلام گفت: خدا تبارک و تعالی به دعای امام رضا علیه السلام برکت را در شهرها بزرگ کرد. برای مأمون کسانی بودند که می‌خواستند ولی عهد او باشند به جای امام رضا علیه السلام، و حسودانی نزد مأمون علیه امام رضا علیه السلام حضور



داشتند. یکی از آنان به مأمون گفت: ای امیرالمؤمنین، تو را به خدا پناه می‌دهم از اینکه در تاریخ خلفا این شرف فراگیر و فخر بزرگ را از خاندان عباس بیرون ببری و به خاندان علی بسپاری؛ تو با آمدن این جادوگر، فرزند جادوگران، بر خود و خانواده‌ات زیان رساندی؛ او خاموش بود تو آشکارش کردی، خوار بود تو بالا بردیش، فراموش شده بود تو یادش کردی، سبک‌شمارده بودیش تو نامش را بلند کردی؛ جهان را به افتخار و شگفت‌زدگی از این باران که هنگام دعایش آمد پر کرده است؛ می‌ترسم این مرد این امر را از فرزندان عباس به فرزندان علی منتقل کند، بلکه می‌ترسم با جادوی خود نعمت را براندازد و بر سلطنت بشورد؛ آیا کسی بر خود و مُلکش چون جنایت تو جنایت کرده است؟ مأمون گفت: این مرد از ما پنهان دعوت به خود می‌کرد، خواستیم او را ولی عهد خود کنیم تا دعوتش به سوی ما باشد و به سلطنت و خلافت ما شناخته شود و آنان که مفتون اویند بدانند آنچه ادعا کرده بود اندک و بسیاری از آن او نیست و این امر از آن ماست و اگر او را بر حال خود رها می‌کردیم بیم داشتیم کاری از او



گشوده شود که نتوانیم بست و آسیبی رساند که تاب نیاوریم. اکنون که با او آن کردیم که کردیم و در کارش خطا کردیم و با بزرگداشتش تا مرز هلاک پیش رفتیم، دیگر سزدانه است که در کارش سستی کنیم؛ بلکه باید اندک اندک از منزلتش بکاهیم تا او را در چشم مردم به صورت کسی تصویر کنیم که سزاوار این امر نیست، سپس درباره اش چنان تدبیری کنیم که ما را از خطرش برهاند. آن مرد گفت: ای امیرالمؤمنین، مرا به مجادله با او بگمار، من خود او و یارانش را درمانده می کنم و از قدرش می کاهم، و اگر هیبت تو در دلم نبود منزلتش را پایین می آوردم و برای مردم کاستی او را نسبت به مقامی که تو برایش مقرر کرده ای آشکار می ساختم. مأمون گفت: چیزی محبوب تر از این برای من نیست. گفت: پس بزرگان مملکت و فرماندهان و قاضیان و برگزیدگان فقها را گرد آر تا کاستی اش را در برابر آنان آشکار کنم تا فروگرفتن او از مقامی که در آن نشانده ای با آگاهی آنان به درستی کارت باشد. مأمون بزرگان رعیت را در مجلسی گسترده گرد آورد و آنان را نشاند و امام رضا (علیه السلام) را در جایگاهی که برایش قرار داده بود در برابر خود



نشانند. آن حاجبِ قصدها را فروکاستنِ امام رضا علیه السلام آغاز سخن کرد و گفت: مردم در باره تو حکایات بسیار گفته و در وصف تو زیاده روی کرده اند و من می پندارم اگر خود بدان آگاهی یابی از آنان بیزاری می جویی؛ نخست آنکه بارانِ همیشگیِ وقت خود را خواستی و آمد و آن را برای تو نشانه و معجزه دانستند و واجب دانستند که برای تو در جهان همانندی نیست، در حالی که امیرالمؤمنین - خداوند سلطنت و بقایش را پایدار دارد - با هیچ کس سنجیده نمی شود مگر بر او برتری یابد؛ او تو را در مقامی نشانده که می دانی، سزاوار نیست در برابر حق او به دروغ گویانی که تو را می ستایند و بر او می بندند میدان دهی. امام رضا علیه السلام گفت: من بندگان خدا را از سخن گفتن درباره نعمت های خدا بر من باز نمی دارم هرچند که نه خودخواهی می طلبم و نه سرکشی. اما از سخت درباره صاحب تو که مرا در این جایگاه نشانده، او مرا در جز همان جایگاهی نشانده که پادشاه مصر، یوسف صدیق را نشانند، و حال آن دو چنان بود که دانسته ای. حاجب خشمگین شد و گفت: ای پسر موسی، از حدّ خود گذشتی و قدر خود



را پشت سر نهادی؛ آن که خداوند بارانی را که وقتش معین است نه پیش می‌افتد و نه پس می‌افتد فرو فرستد، تو آن را نشانه‌ای دانستی که به آن بلندپروازی می‌کنی و نیرویی که بدان می‌خروشی؛ گویی همانند آیت ابراهیم خلیل را آورده‌ای آن‌گاه که سرهای پزندگان را گرفت و اعضایی را که بر کوه‌ها پراکنده کرده بود، فراخواند و آنان شتابان آمدند و بر سرها نشسته بال زدند و به اذن خدا پرواز کردند؛ پس اگر در آنچه می‌پنداری راست می‌گویی این دو را زنده کن و بر من مسلط گردان که این در آن هنگام نشانه معجزه‌آسا خواهد بود. اما بارانِ همیشگیِ وقت‌دار، سزاوارتر از تو کسی نیست که همان‌گونه که تو دعا کردی، او نیز دعا کرده باشد. حاجب به دو شیر صورت‌نگاری شده بر پشته‌ی مأمون که به آن تکیه داده بود اشاره کرده بود و آن دو روبه‌روی هم بودند. علی بن موسی الرضا علیه السلام خشمگین شد و بر آن دو صورت فریاد زد: بگیری‌د آن فاجر را و بدرّیدش و هیچ چشم و اثری برایش باقی نگذارید. آن دو صورت به شیرانی زنده دگرگون شدند، بر حاجب جستند و او را گرفتند و گاز گرفتند و دریدند و در هم شکستند و خوردند



و خونس را لیسیدند و مردم در شگفتی می‌نگریستند. چون از او فارغ شدند، به سوی امام رضا علیه السلام آمدند و گفتند: ای ولی خدا در زمینش، چه فرمان می‌دهی با این؟ آیا با او همان کنیم که با آن کردیم؟ و به مأمون اشاره کردند. مأمون از سخن آنان بیهوش شد. امام رضا علیه السلام گفت: بایستید. ایستادند. سپس گفت: بر او گلاب ریزید و خوشبویش کنید. چنین کردند. شیران گفتند: آیا اجازه می‌دهی او را نیز به صاحبش که نابود کردیم ملحق کنیم؟ فرمود: نه، زیرا خداوند عزوجل درباره او تدبیری دارد که به انجام خواهد رسانید. گفتند: چه فرمان می‌دهی؟ گفت: به جایگاه خویش بازگردید چنان که بودید. پس به پستی بازگشتند و دوباره همان صورت‌های پیشین شدند. مأمون گفت: سپاس خدایی را که مرا از شر حمید بن مهران - یعنی همان مرد دریده‌شده - کفایت کرد. سپس به امام رضا علیه السلام گفت: ای فرزند رسول خدا، این امر از آن جد شما رسول خداست و سپس از آن شماست، اگر می‌خواستی از آن کناره می‌گرفتم. امام رضا علیه السلام گفت: اگر می‌خواستم با تو گفت‌وگو نمی‌کردم و چیزی از تو نمی‌خواستم؛ زیرا خدا عزوجل



از فرمان بری دیگر آفریدگان چنان به من داده که از فرمان بری
این دو صورت دیدی، جز نادانان بنی آدم که هرچند بهره
خود را از دست بدهند، خداوند در کارشان تدبیری دارد؛ و
مرا فرمان داده که به تو اعتراض نکنم و آنچه را از عمل از زیر
دست تو ظاهر کرده ام آشکار کنم، چنان که یوسف را فرمان
داد تا از زیر دست فرعون مصر کار کند. راوی گفت: مأمون
همواره خوار بود تا آنکه درباره علی بن موسی الرضا علیه السلام آن
کرد که کرد.^۱



۱. عیون أخبار الرضا علیه السلام: ۱۶۷/۲.



بنياد بين المللي دعاء
مؤسسة الدعاء العالمية
Dua International Foundation



<https://bonyadeddoa.com>



+98 91 91 96 98 00